

کریگاران
و ره صدنگیان
به کی گرن

بیمارگان

کارگران
و رهنمویان
مصدق شریف

ارگان کمیته کردستان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

60p

بهاء ۵۰ ریال

فروردین ۱۳۶۲

دوره جدید سال سوم - شماره ۲۸

اطلاعیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بنسبیت فرارسیدن

اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز همبستگی جهانی کارگران

خطاب به

کارگران سراسر ایران

کارگران ایران باید این روز را به عرصه هرج و مرج جهانی خوب خطبه سرما به داران رژیم باصدار طابع آنها تبدیل کنند.

کارگران سراسر ایران باید در روز اول ماه مه در سراسر ایران دست از کار بکشند تولید را قطع سازند. این روز را همانند طاع کارگران سراسر جهان تعطیل اعلام کنند تا شعارهای پر خنده جنگ ارتجاعی درونهای ایران و عراق که یکی از شرکات نکبت پارس و خلیج عبده دیده نظام سرما به داری است دست به تظاهرات خیابانی بزنند.

صفحه ۲

سرنگین

درگیریهای

حزب دمکرات و کومله راه حل ما

در فروردین ماه امسال نیز همچون چند ماه آخر سال ۶۱ درگیری های خونین بین سرنگان حزب دمکرات و کومله که نه تنها همچنان ادامه یافت بلکه ابعاد گسترده تری نیز به خود گرفت. این درگیریها که اینکه ابعاد یک جنگ سراسری بین نیروهای دو طرف را به خود گرفته است. در این ماه پارک مرحله حساسی شد. علاوه بر آن که هیچ نشانه ای از تمایل به پایان آنها وجود ندارد و هرچنان حزب دمکرات کردستان ایران بر پیشرفت های غیر دمکراتیک خود در صفحه ۲

حزب دمکرات

سرخورده از گذشته، نوید از آینده

یکی دیگر موضع اصلی شایعات طرفین را تشکیل می دهد که در هفته های آخر فروردین ماه امسال مجاهدین خلق ایران با انتشار اطلاعاتی در مجامع شماره ۲۶۲ آخرین اتمام حجت رسمی خود به حزب دمکرات را نیز اعلام داشتند. طی این اطلاعیه از حزب دمکرات کردستان ایران خواسته شده است که مذاکره با رژیم را در حال و در صفحه ۲

حزب دمکرات کردستان این که یکی از نیروهای اصلی تشکیل دهنده انقلاب سوروزا - رهنموی نورانی طاعت بود در طول چند ماه گذشته ظاهراً بنشاط سر ادامه مذاکره با رژیم، صدور حملات متعدد، مؤتلف اولی خود یعنی سازمان مجاهدین خلق بوده است در تمامی این چند ماه جدائی غیر رسمی اما قطعی این دو نیرو از

اطلاعیه کمیته مرکزی

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

هشدار به راه کارگران

صفحه ۵

* گرامی داشت یاد
تلفنی محضر رهبر نخستین
جمهوری خود مختار کردستان

* درخامنه

تخلیه وسیع شهرهای بهاران شده



انبار
جبهه مقاومت
نیروهای

توضیح درباره تغییر عنوان

شباخه کردستان

به

کمیته کردستان

همه موو میله تیک ما فی دیاری کردنی چاره نویسی خوی هدیه

فرگیرهای

حزب دمکرات و کومهله

از صفحه ۱

برای هرگونه مذاکراتی در این زمینه تاکیده می نماید. و این شیوه برخورد نه تنها هیچ گونه کفایتی نمی تواند و نتوانسته است برای قطع درگیری های کنونی بنماید، بلکه عملاً قطعاً تنها در خدمت گسترش هرچه بیشتر آنهاست. به دلیل همین برخوردها نیز هست که هنوز بعد از ۳ ماه درگیری های حزب دمکرات و کومهله با اجماعی به مراتب خونین تر از قبیل بلاوقه در تمامی نقاطی کردستان در هر کجا که نیروهای دو طرف حضور دارند، ادامه داشته و دارد. امری که تاثیرات زیادی در حرکت نیروهای انقلابی برجای گذاشته است و در مجموع جو تشنجی را در سراسر کردستان دامن زده است.

اما این واقعیت یک وجه از تاثیرات و تبعات این درگیری ها بود. که وجه دیگر تاثیرات مخرب این درگیری ها تاثیرات زانیار آنها بر عموم توده های کارگر و زحمتکش خلق کرد و دامن زدن به ایجاد جو بی اعتمادی در میان آنهاست. زحمتکشان کردستان بعد از شش سال مبارزه خونین در شرایطی که ضرورت های عینی جنبش ایجاب می کند که مختاسب با روند عسوی مبارزه در کردستان هرگونه تفرقه و تشنجی در صفوف مبارزه کنونی اجتناب گردد، شاهد گسترده ترین تهاجم دو نیروی مهم منطقه ای علیه یکدیگر هستند، برای مردی که تمام هستی خود را در گرو مبارزه بی امان علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی برای کسب حقوق تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود نهاده اند و بر این راه از هیچ کوششی فروگذار نگردانده، مشاهده وضعیت حاضر که مستقیماً مهم ترین دستاورد های دمکراتیک آنها را آماج خود قرار داده است، نه تنها نگران کننده، بلکه تا حد آفریننده و فزاینده و تحمل ناپذیر نیز هست. کسانی که بدون توجه به خواست توده های زحمتکش خلق کرد، بر ادامه این درگیری ها

پای می فشارند، علیرغم اطمینانهای واقعی خود، عملاً بی اعتنائی خود به خواست توده ها و اهداف واقعی آنها راه آشکار می سازند. بر هیچ کس پوشیده نیست و زحمتکشان خلقی کرد بهتر از همه می دانند که ادامه درگیری های حاضر نه تنها خلق کرد را به پیروزی نخواهد رسانید، بلکه دست کم برای حداقل یک دوره معینسی ضربات مهلکی را بر پیکر جنبش انقلابی خلق کرد نیز وارد خواهد ساخت. سیاستی که بر ادامه این درگیری ها با هر بیانی پای می فشارد، عملاً نمی تواند و نخواهد توانست نه تنها چندان از روشنی را در مقابل جنبش کنونی باز نماید، بلکه عملاً هرگونه چشم انداز محتمل آنرا در شرایط حاضر نیز تیره و تار خواهد ساخت.

ما عمیقاً اعتقاد داریم که حل مسائل مورد اختلاف حزب دمکرات و کومهله در شرایط کنونی از طریق سیاسی نه تنها امکان پذیر، بلکه امری کاملاً عملی است و توسل به اسلحه تنها در عدم اعتناء به چنین راه حلی و عدم درک ضرورت های کنونی جنبش است، که تا بدین حد گسترش یافته است. امری که به هیچ وجه قادر نیست هیچ کدام از مشکلات کنونی را نه تنها پاسخگو باشد، بلکه برعکس بر ایجاد این مشکلات و معضلات تحصیلی بر جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان خلق کرد نیز، خواهد افزود.

هر نیروی در حال جنبش انقلابی خلق کرد و اهداف پیروزیش آن احساس مسئولیت نمی کند، امروز باید با ارائه راه حل اصولی و مشخص و عملی نقطه پایانی بر این درگیری ها نهاده، راه را برای قطع درگیری های کنونی باز نماید. اجتناب از برخورد های نظامی دیگر بدون برخورد مشخص و دمکراتیک با مسائل و اختلافات میمابین دو نیرو بدون تردید امکان پذیر نیست. دیگر آتش بدون برنامه بدون تعیین حد و مرزهای معین سیاسی اختلافات موجود بین حزب دمکرات و کومهله و التزام به اصول مشخص حل مسائل کنونی مبارزه در کردستان امکان پذیر نخواهد بود. صافه پایان دادن به درگیری ها با وضوح نظامی این یا آن طرف عملاً پایانی نخواهد داشت.

آنچه که می تواند در این زمینه موثر افتد تنها برخورد مشخص و ارائه راه حل سیاسی است. آنهاست. مواضع طرفین و راه حل - های ارائه شده از سوی آنها عملاً نمی تواند و نخواهد توانست هیچ گاه و با توجه به رابطه میمابین دو نیرو، به پایان درگیری ها کفایت نماید. حزب دمکرات با یک سری شرط و شروط پیش آمده است که اصولاً نمی تواند نه تنها چارچوبی برای مذاکره و آتش بس باشد بلکه عملاً سد راه چنین روندی نیز گشته است و هیچ وجه به عنوان چنانی برای حل صافه نمی توان بر آنها انگشت گذاشت. کومهله نیز علیرغم ارائه یک سری اصول کلی در اعلامیه حقوق پایه ای زحمتکشان کردستان، آن اعلامیه را چنانی هرگونه توافق قرار داده است. این چنانی نیز به تنهایی قادر به حل مشخص صافه نیست چرا که این گونه اصول کلی اگرچه نسبت به گذشته گامی به پیش محسوب می گردند، ولی به هیچ وجه کافی نبوده و نیستند و به خصوص راه حل مشخص و عینی برای حل معضلات کنونی نمی توانند باشند. از این رو ما معتقدیم تنها امری که در شرایط کنونی قادر به حل مسائل میمابین حزب دمکرات و کومهله خواهد بود، نه تنها شرط و شروط غیر عینی و غیر - دمکراتیک و با یک سری اصول کلی، بلکه اساساً یک راه حل عینی و مشخص بر بنیان یک توافق سیاسی میمابین دو نیرو خواهد بود. که بتواند خود این امر به پیش شرط هرگونه توافق کلی و جزئی دیگر قرار گیرد. در غیر این صورت و در شرایطی که یکی از طرفین بطور یک جانبه بر قدرت نظامی یا شرط و شروط غیر دمکراتیک خود تاکیده نماید، این درگیری ها همچنان ادامه خواهد یافت و در شرایطی که رژیم در تدارک حلات گسترده خود می باشد، در عمل ضربات مهلکی را به جنبش انقلابی خلق کرد تحمیل خواهد کرد که به هیچ وجه قابل توجه نیستند. عدم درک ضرورت های کنونی جنبش از سوی هر نیروی که باشد یا هر اندازه توان و گسترش توده ای عملاً چیزی جز بی کفایتی سیاسی آن نیرو و محدودیت دیدگاه و اهداف و نیز غیر اصولی و غیر دمکراتیک بودن شیوه های عینی آن را آشکار نمی سازد.

اطلاعیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بمناسبت فرارسیدن

اول ماه مه

روز همبستگی جهانی کارگران

خطاب به کارگران سراسر ایران

کارگران سراسر ایران!

روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) در حال فرارسیدن است. در این روز ملیونها کارگر در سراسر جهان بیداری و آگاهی طبقاتی و همبستگی مبارزاتی شان را علیه نظام سرمایه داری مسم و استثمار جشن می گیرند.

کارگران سراسر جهان در این روز دست از کار می کشند، تولید را در همه جا متوقف می سازند و توان عظیم خود را در برابر دنیای سرمایه دنیستای مسم و استثمار و بندگی به نمایش می گذارند و به کلیه سرنجمین سراسر جهان نشان می دهند که دوران حکومت آنان به پایان رسیده است.

طبقه کارگر ایران نیز بعنوان یک گردان از ارتش جهانی طبقه کارگر با همه از هم اکنون خود را برای برگزاری هرچه باشکوهتر این روز تاریخی آماده کند.

روسم ارتجایی جمهوری اسلامی، این باورترین تجسم تمام بتکبری های نظام سرمایه داری، که اشدائی ترسین

حقوق انسانی را نیز از عموم توده های زحمتکش مردم ایران بلب نموده و طبقه کارگر را از حقوق منطقی و سیاسی خود محروم نموده است. حق تعطیلی روز اول ماه مه این دست آورد مبارزاتی کارگران را طغسی نموده و سال گذشته از کارگران ایران خواست که بر سر کار خود حاضر شوند.

اما اصل کارگران ایران از هم اکنون باید خود را برای مبارزتی مستقیم با رژیم جمهوری اسلامی در این روز آماده کنند. کارگران ایران باید این روز را به عرصه قدرت نصاتی خود طبقه سرمایه داران در روهم پاسدار ضایع آنها تبدیل کنند.

کارگران سراسر ایران باید در روز اول ماه مه در سراسر ایران دست از کار بکشند، تولید را متوقف سازند. این روز را همانند تمام کارگران سراسر جهان تعطیل اعلام کنند و با شعارهایی بفرود جنگ ارتجایی دولتهای ایران و عراق که یکی از ضررات نکبت بار و فحایح هدیده نظام سرمایه داری است دست به تظاهرات خیابانی بزنند.

کارگران سراسر ایران! قدرت، توان، آگاهی و همبستگی طبقاتی خود را در سارزه علیه نظام سرمایه داری با تعطیل روز اول ماه مه و برپایی تظاهرات ضد جنگ بنمایش بگذارید. به سرنجمین حاکم بر ایران نشان دهید که در برابر قدرت و اراده لایزال کارگران هیچ نیرویی را برای مقاومت و برابری نیست.

کلیه فعالین سازمان از هم اکنون باید تبلیغات وسیع و گسترده ای را در میان کارگران برای خوبانندن تمام کارخانه ها و مؤسسات در روز اول ماه مه، این روز همبستگی جهانی کارگران آغاز کنند و با نوشتن شعار و پخش تراکت و اعلامیه در کلیه مراکز و محلات کارگری عموم کارگران ایران را به تعطیل کردن این روز و تظاهرات ضد جنگ فرا خوانند.

زنده باد همبستگی و بیداری طبقاتی! کارگران سراسر جهان!

زنده باد منور و اراده خال ناپذیر کارگران به سرنگونی نظام طبقاتی سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم!

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی!

بسرقرار بنشین جمهوری دمکراتیک خلق!

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ۱۳۶۴/۱/۱

مختصری

در سارزه تاریخچه

اول ماه مه روز جهانی کارگر

یازدهم اردیبهشت ماه برابر با اول ماه مه نزدیک می گردد. روزی که کارگران سراسر جهان همبستگی مبارزاتی شان علیه زور و استثمار انسان از انسان و مبارزه برای رهایی همه توده های

زحمتکش از فقر و گرسنگی جامعه سرمایه داری را جشن می گیرند.

اصال در آستانه یکصدمین سالروز اول ماه مه ۱۸۸۶ قرار داریم. روزی که تحت رهبری فدراسیون سراسری کارگران آمریکا و با قدرت ضد کارگران یکی از خواستهای همه کارگران استثمار شده جهان، یعنی ۸ ساعت کار روزانه مطرح شده و با قدرت انقلابی به نقطه عطفی در تکامل سارزه طبقاتی کارگران علیه سرمایه داران بدل گردید.

فدراسیون کارگران امریکا بعد از تلاشهای متعددش برای تحقق اهداف کارگران در سال ۱۸۸۶ در قطعنامه خود برای اولین بار اعلام داشت: فدراسیون اصناف و اتحادیه های مختلف کارگری ایالات متحده و کانادا مقور می دارد که از اول ماه مه ۱۸۸۶ هشت ساعت کار روزانه مدت قانونی کار خواهد بود و ما توصیه می کنیم که تمام تشکیلات کارگری

زنده باد همبستگی جهانی کارگران

"کارگران سراسر جهان متحد شوید"

زنجیرهای بندگی را بکشاید

شما با ارتش های بزرگ خود میتوانید

بهر خود کامگی فائق آید، بر توت برشت

همبستگی خود را با کارگران جهان در روز اول ماه مه جشن بگیرید.

اصال نیز کارگران ایران در شرایطی به استقبال اول ماه مه می شتابند که اعتراضات توده ای علیه رژیم جمهوری اسلامی و جنگ بطور روز افزونی رشد می یابد. بی شک مبارزات مداوم طبقه کارگر ایران به ویژه در طول یک سال گذشته تأثیرات خود را بر روند شکل گیری اینگونه اعتراضات توده ای که امروز برای رژیم را به لرزه انداخته پیر جای گذارده و در این دوره نصیب از جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان تأثیرات بازم مؤثرتری بر جای خواهد گذارد. تصمیم پیروزی این مبارزات سازماندهی، هدایت انقلابی و هدفمند آنها قطعاً تحت رهبری کارگران مکن خواهد بود. از همین رو در این مرحله از تکامل مبارزه طبقاتی انجام نقش تاریخی طبقه کارگر با وضوح بیشتری اهمیت یافته و بایستی طبقه کارگر ایران با اراده ای قاطع روز اول ماه مه را به روزگشترش و تشدید مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی و علیه جنگ ارتجاعی بدل ساخته و در اعتصابات و تظاهرات سازمان یافته علیه سرمایه داران و استثمارگران حاکم و صاحب نفی از حاکمیت آنها آنچنان قدرت عظیمی را بنمایش گذارد که بنسواند شایستگی خود را در امر رهبری انقلاب به اثبات رسانیده و مهر خود را بر تارک جنبش کارگران و زحمتکشان سراسر ایران بکشد.

اصال کارگران آگاه و انقلابی ایران با برگزاری روز اول ماه مه علاوه بر اعلام همبستگی عینی خود با کارگران و هم زنجیرانشان در سراسر جهان باید اول ماه مه را به یک نقطه عطف تحول بخش در انقلاب ایران تبدیل نمایند.

نمایندگان کارگران امریکا تصمیم گرفت بخاطر کشتار کارگران شیکاگو روز اول ماه مه، بنام روز کارگر در سراسر جهان اعلام گردد. و در این روز کارگران سراسر جهان در هر جا که هستند به یاد حسان باختگان و زندانیان شیکاگو سالس یادبودی تشکیل دهند و خواسته های کارگران را مطرح سازند. همچنین با برگزاری راهپیمایی و تظاهرات اتحاد خود را مستحکم و مبارزه خود علیه سرمایه داری را گسترش دهند.

در کنگره بعدی انترناسیونال



تصریح گردید که بایستی به خصلت طبقاتی تظاهرات اول ماه مه برای هشت ساعت کار و دیگر خواستهائی که منجر به تصویب مبارزه طبقاتی می گردد، تاکید ورزیده شود و ضمن اول ماه مه با توقف کار و برگزاری تظاهرات گرامی داشته شود. بدین ترتیب اول ماه مه به روز همبستگی جهانی کارگران علیه سرمایه داران بدل گشت.

طبقه کارگر تهران ایران نیز در طول حیات پر فراز و نشیب خود طی دهها سال گذشته به آنها گوناگون این روز تاریخی را گرامی داشته و گوشیده است تا

مختصری در ساره تاریخچه

اول ماه مه

نیز در حوزه فعالیت خود از تاریخ فوق این تصمیم را به صورت اجرا گذارد. ضحاک این فراخوان اعتصاب و تظاهرات کارگری در پشتیبانی از شمار ساعات کار در روز جهانی یافت و هزاران کارگر را به رودر روشی منظم با سرمایه داران کشانید.

روز اول ماه مه در حالیکه سرمایه داران، صاحبان صنایع و ارگانهای ارتجاعی خود را برای سرکوب کارگران آماده کرده بودند، شهرهای مهم امریکا نظیر شیکاگو، نیویورک، بالتیمور و واشنگتن... را اعتصاب فراگرفت. مرکز اعتصابات در شیکاگو بنام روز اول ماه مه ۲۰ هزار کارگر در شیکاگو دست از کار کشیدند و در دو سه روز بعد تعداد اعتصابیون به سرز ۸۰ هزار نفر رسید.

پلیر کارگران بی دفاع را به گلوله بست و در برابر خیزش عظیم کارگران با توپخانه ای از قبل طرح ریزی شده بمبارش خود را به آنان آغاز کرده و با شلیک بی وقفی کارگران رهبا نفر را کشته و زخمی کرد و رهبران جنبش اعتصابی دستگیر و به بیدارگاه سرمایه داران کشیده شدند و در حالیکه دلاوران بی دفاع از ضایع کارگران برخاستند، استوار و مستحکم خود نظام سرمایه داری را به حاکمه کشیدند و با صلابت خود شکره و عظمت کارگران قهرمان اعتصابی را به نمایش گذاشتند. هر چند سرانجام علیه رژیم اعتراضات و مبارزات کارگران سراسر جهان و سازمانها و احزاب انقلابی دنیا، چهار تن از آنان به جوخه اعدام سپرده شدند، وعده ای دیگر به زندان محکوم گشتند. اما با وجود این جنبش کارگری امریکا با رشد و انقلابی روز افزون خود توانست حق ۸ ساعت کار روزانه را نصیب بخشیده و آن را به سرمایه داران تحویل نماید.

اولین کنگره انترناسیونال دوم در سال ۱۸۸۹ بنا بر پیشنهاد

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر



هشدار به راهکارگر

کمیته پر تحقیق یاد شده و از کلیه نیروهای همواردار سازمان خواسته شده است که اگر چنانچه ارتباطی با فرد مذکور دارند ارتباطات خود را با وی قطع کنند و با هرگونه اطلاعی در مورد وی دارند، این اطلاعات را فوراً در اختیار سازمان قرار دهند. با وی ارتباط داشته باشد، اما این اطلاعات را در اختیار سازمان ما قرار ندهد و حتی دست به تکثیر او را قی بزند که با جعل کلیشه های گشربسات سازمان ما صورت گرفته است. این اعمال در حقیقت رواج بی پرستی در جنبش پرست با زدن به پرنسپ های انقلابی و دخالت در امور سازمانهای دیگر است.

آیا حقیقتاً راه کارگر از ماجرای دو سال پیش مجاهدین و مزدور خائنی که طبعاً دست رهبری مجاهدین شده بود و جز بی حیثیتی و رسوائی بیشتر چیزی عاید آنها نکرد، درس لازم را نیاموخته است؟

راه کارگر قطعاً باید بداند که ما نسبت به خائنین به طبقه کارگر و سازمان نرده ای گذشت نخواهیم کرد. از این رو به راه کارگر هشدار می دهیم که در دام توطئه های بورژوازی خود را گرفتار نکند، دست از هم آوازی با بورژوازی و خائنین به طبقه کارگر علیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بردارد. کسانی را که از سوی سازمان ما به عنوان خائن به جنبش معرفی شده اند، از صفوف خود طرد کند و هرگونه اطلاعاتی که در مورد ضربات زستان ۶۲ و عنصر خائنی که به ضابطه کمیته پر تحقیق در خدمت رژیم قرار گرفت و دارد، آن را در اختیار سازمان ما قرار دهد و از این اعمال و شیوه های غلط و غیر اصولی خود رسماً انتقاد کند. مادام که راه کارگر از این برخوردهای غیر اصولی خود انتقاد نکند، هرگونه مساسات را با وی قطع می کنیم و از کلیه نیروهای سازمان و هواداران می خواهیم که هرگونه رابطه ای را با این سازمان قطع نمایند.

صریح گرایش به راست روز افزون راه کارگر و نزدیکی این جریان به ایستادگیهای بورژوازی نظیر شورای ملی مقاومت و اپوزیسیونهای خائن اکثریت، اخیراً این جریان در کینه کوری و تبلیغات ضد فدائی، به طیف بورژوازی لیبرالها و چپ نماهای لیبرال که یک لحظه از تلاش خصمانه علیه طبقه کارگر ایران و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران فروگذار نمی کنند، پیوسته است. راه کارگر در این موضع گیری های ضد فدائی چند ماهه اخیر خود در همراهی با شورای ملی مقاومت و بانده ضد انقلابی اکثریتی های خائن، طی اطلاعیه ای به تاریخ اول فروردین ماه یک هزار و سیصد و شصت و چهار، با فحاشی و توهین به سازمان به این موضع گیری ها و اقدامات ضد فدائی خود خنثی کرده است. با دفاع از تمام خائنینی که طی چند سال اخیر در ضربه زدن به جنبش طبقه کارگر ایران و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران از هیچ اقدامی فروگذار نکرده اند موضع خصمانه خود را نسبت به سازمان آشکار نموده است. این اقدامات راه کارگر تا بدانجا پیش رفته است که حتی به پرنسپ های انقلابی نیز پشت پا زده و به دفاع آشکار از خائنین برخاسته است.

راه کارگر اگر اندکی به پرنسپ های انقلابی در جنبش پای بند مانده باشد، قطعاً باید بداند که برخوردهای مفرضانه و توأم با فحاشی در شان یک سازمان سیاسی نیست.

راه کارگر اگر اندکی به پرنسپ های انقلابی در جنبش پای بند مانده باشد، قطعاً باید بداند که مجاز نیست کسانی را که از سوی سازمان ما به ضابطه خائن به جنبش معرفی شده اند و در ضربات سال ۶۰ که ضربه به شهادت تعدادی از اعضاء کمیته مرکزی و دیگر کارهای برجسته سازمان ما گردید، مسبب اصلی شناخته شده اند، به صفوف خود بپذیرد.

راه کارگر اگر اندکی به پرنسپ های انقلابی در جنبش پای بند مانده باشد، قطعاً باید بداند که هیچ سازمان سیاسی مجاز نیست فرد خائنی را که در ضربات زستان سال ۶۲ به سازمان ما نقش مهمی داشت و طی اطلاعیه ۲۵ تیرماه سال ۶۳ خطاب به کارگران، اعضاء و هواداران سازمان از وی به عنوان

کمیته مرکزی
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
هفتم فروردین ماه ۱۳۶۴

حزب دمکرات

سرخورد از گذشته، نوید از آینده

آینده منور و محکوم بشناسد. اما حزب دمکرات کردستان با صدور اطلاعیه ای نه تنها خواست مجاهدین خلق را اجابت نکرده است، و بر قطع مذاکیره و صنوع و محکوم دانستن آن گردن نهاده است، بلکه صرفاً بر شرایط کنونی هرگونه مذاکره ای با نمایندگان رژیم خمینی را امری بیپایه تلقی نموده است (اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب دمکرات ۱/۱/۶۴)

سواله مذاکره حزب دمکرات کردستان ایران با رژیم جمهوری اسلامی و تاکیستد یک جانبه حزب دمکرات بر ادامه این مذاکرات جدا از هممون اختلافات این حزب با سازمان مجاهدین خلق ایران که از حقوقی خاص خود برخوردار است و یکی از مسائل جنبش انقلابی خلق کرد صیدل گشته است و تاثیرات خود را در تمامی زمینه ها بر جای گذاشته است. این امر نه تنها از نقطه نظر مائل مربوط به وضعیت کنونی جنبش انقلابی خلق کرد بالخصوص بلکه جنبش انقلابی کارگران و محکشان در سراسر ایران بالعموم، و با توجه به شرایط کنونی مبارزه طبقاتی در ایران قابل تأمل و ارزیابی دقیقتری است. باید روشن کرد که سیاست امروز حزب دمکرات کردستان ایران چه اهدافی را دنبال می کند و سیاست او چه تاثیراتی می تواند در شرایط کنونی بر جای گذارد. و کلاً چشم انداز چنین سیاستی چیست؟

آنچه که مسلم است، سیاست امروز حزب دمکرات یعنی مذاکره با رژیم و تأکید روی آن، پیشه در واقعات سیاست های گذشته حزب دمکرات دارد و بطور قطع نتیجه عطفی سیاست های فیروز این حزب در برخورد به مسائل جنبش و ضروریات عطفی آن هست لذا تگاهی به آخرین تحولات در این زمینه راهگشای درک برخورد اصولی با سیاست امروز حزب دمکرات خواهد بود.

سواله آنچه که به اختلافات

فیمابین حزب دمکرات و سازمان مجاهدین خلق ایران مربوط می شود، واقعیت امر این است که حزب دمکرات طی تخاصی نیروهایی که تصور می کردند شورای ملی مقاومت و برراس آن مجاهدین خلق ایران قادر است بطور ضروسی و در کوتاه مدت به تمهض قدرت از بالا نائل آمده، جایگزین دارو دسته های حاکم گردد، از چنین چشم اندازی نا امید گشته است و شورای ملی مقاومت و مجاهدین نه تنها به روز شمارها و ماه شمارها و سال شمارهای خود نتوانسته اند تحقق بخشند، بلکه به مسازات از دست دادن هرگونه امکان دستیابی به قدرت، نتوانسته اند اعتماد معارف بورژوازی را نیز به خود جلب کنند و در نتیجه امروز ناموفق تر از همیشه از اهداف اولیه تشکیل این ائتلافی به مراتب دورتر گشته اند. امری که مجاهدین خلق همه هستی خود را در گرو آن نهاده بود و هنوز هم به شکست سیاست و برنامه خود باور ندارد. اما برخلاف تصور مجاهدین خلقی سیر حوادث در طول چهار سال گذشته در نای توهم را در هم نوردیده است جایگاه عطفی سیاست هارا آشکار ساخته است با زدودن اوهم ناشی از سرودهای اولیه مجاهدین، دمکراتیزه کردن جمهوری اسلامی را پیش از همه از انحصار تنها اکثرانیو مجاهدین به در آورده است و سیاست و خط و مفهومی آنها را با روشنگری گامی رو برو ساخته است.

آنچه که امروز به خط فاصلی بین حزب دمکرات و مجاهدین خلق صیدل گشته است نه تنها نفسی اصول حاکم بر حرکت شورای ملی مقاومت که اساساً صدور نفسی کلیت رژیم جمهوری اسلامی نبود، بر عکس در صدور حفظ پایه های اصلی قدرت آن و تنها تمویض سیرهای آن با مجاهدین خلق و جذب پایگاه آن در میان بورژوازی بود، بلکه در واقع پس اعتقادی حزب دمکرات به کلیت و امکان مجاهدین خلق در احراز چنین موقعیتی بوده و هست. از همین رو نیز هست که حزب دمکرات در شرایط کنونی در صد گشودن چشم اندازهای جدیدی برای سیاست های خود، خارج از شورای ملی مقاومت بر آمده است.

آیا با اعلام مذاکره با رژیم، تغییر محسوسی در سیاست های حزب دمکرات رخ داده است؟

سواله پاسخ این سوال منفی است. زمانی که حزب دمکرات تخاصی اهداف خود را به برنامه و طرح خود مختاری شورای ملی مقاومت محدود ساخته است، چه فرقی برای حزب دمکرات خواهد داشت که تحقق آن را از طریق حضور در شورای ملی مقاومت و ائتلاف با مجاهدین یا از حناج دیگری از بورژوازی ایران از جمله جناح های حاکم طلب کند.

طرح شورای ملی مقاومت برای خود مختاری کردستان، خواهان هیچ گونه تغییر اساسی در وضعیت حاضر و در ساخت قدرت حاکم نیست. همانگونه که هیچگونه حق دمکراتیک و ارگان دمکراتیک توده ای را نیز به رسمت نمی شناسد. بلکه بر عکس بر حفظ بی قید و شرط ماشین دولتی حاکم و استبدادی بوروکراتیک آن تحت عناصر مختلف پای می فشارد. درست به همانگونه که خود شورای ملی مقاومت خواهان هیچگونه تغییری اساسی در وضعیت حاکم نبوده و نیست و تنها جرح و تعدیلاتی در قدرت حاکم را در برنامه خود گنجانده است. و در عین حال با حفظ و ابقای دولت مذهبی و نفسی رسمی ابتدائی ترین حقوق مسلم توده ها، مخالفت آشکار خود با هر گونه تحولات انقلابی در آینده را از همین امروز اعلام داشته است.

بنا بر این، اختلافات فیمابین حزب دمکرات و مجاهدین عملاً در چارچوبی طرح است که اصولاً هیچ گونه ضمن برنامه ای معینی ندارد. و تنها بیانگر بحران درونی و تلاشی عطفی ائتلافی چهار ساله ای است که حول برنامه و تاکتیک های معینی شکل گرفته و پس از طی دوران رونق خود و خارج از اراده این یا آن نیرو امروز به فرجام ناکسیر خود گردن نهاده است.

بنا بر این در مضمون اهدافی که حزب دمکرات در طول چهار سال گذشته دنبال می کرده است و امروز به نحو دیگری به پیگیری آنها پرداخته است، هیچ گونه تغییری

← حاصل نشده است. این تغییرات در طایفه های سیاسی دیگری صورت گرفته است که حزب دمکرات، دیروز بر آنها پای می فشرد و شعارهای مبارزاتی حزب دمکرات را تشکیل می دادند و بیان سیاسی اهداف مبارزاتی او با رژیم جمهوری اسلامی بودند.

تفسیر در آنجائی صورت گرفته است که حزب دمکرات تا دیروز با دادن شعار سرگ بر خمی، اهداف خود را خارج از چارچوب رادو دسته های حاکم جستجو می کرد و امروز تحقق آنها را در چارچوب رژیم جمهوری اسلامی نیز امکان پذیر می زانند، تا دیروز حزب دمکرات بدون تحقق بیشتر اول شعار خود یعنی دمکراسی برای ایران و خودمختاری صورت گرفته از آن دارد، در چارچوب رژیم و بدون سرنگونی خمینی و نه حتی جمهوری اسلامی ایران امکان پذیر نمی دانست و امروز با اعلام مذاکره با رژیم به امکان پذیری آن رسیده است.

حزب دمکرات با دست شستن از یک ائتلاف بورژوازیسی در اپوزیسیون به سوی یک جناح بورژوازی دیگر در درون حاکمیت روی آورده است.

حزب دمکرات
سرخورده از گذشته، نوپیدا از آینده

و با سرکوب و دشمنانه جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان ایران فضای تنفسی را برای آن باز نماند. تلاشی که رژیم حاکم با تمامی قدرت و توان خود با توسل به سیاه توین شیوه های سرکوب و قتل و جنایت به انجام آن همت گماشته است ولی هرگز نتوانسته است تا به امروز به اهداف ارتجاعی خود جاه عمل پوشانده، بهر بحران مزمن سیاسی اجتماعی حاکم بر جامعه ایران بهار بزنند.

بی جهت نیست که تمامی سرزمین جهان، در پشت سر این جنایتکار صف کشیده اند و در هر اس از هر گونه تغییر و تحولات انقلابی در ایران روی حفظ و ابقای آن به عنوان سیاه ترین رژیم سرکوبگر کارگران و زحمتکشان سرپایندگی کرده اند.

ولی واقفیت های جامعه ایران و همه عرصه های مبارزه طبقاتی و رشد و ارتقاء آن در شرایط کنونی خمینی چنین رژیم را نیز به افشاش گشایده است، پایه های قدرت آن را به لورده در آورده است و مورد هجوم روزافزون خود قرار داده است.

در چنین شرایطی است که حزب دمکرات با سرخورگی از امکان پیروزی ائتلاف خود با مجاهدین، امروز در عمل به دست شستن از شعار سرنگونی خمینی رسیده است و به سمت چشم پوشی از جرم و تعدیلات مورد نظر خود در بورژوازی نظامی ارتجاعی حاکم، مصلحت از شعار دیمکراسی برای ایران حتی در حد همین تعدیلات نیز دست شسته است. حزب دمکرات می گوید:

"تاسفانه افسوس چندان روشنی برای خطوط آن (یعنی رژیم جمهوری اسلامی) در آینده بسیار نزدیک به چشم نمی خورد" (گوردستان ۱۰۲ صفحه ۲)

حزب دمکرات از شکست تلاشهای کودتاگران و بلانکیستی مجاهدین به شکست جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان ایران رسیده است، از آینده نزدیک نا امید گشته است و از چنین نقطه نظری نیز از شکست سیاسی ائتلاف

خود به نفسی سرنگونی رژیم رسیده است.

شمار سرنگونی به عنوان یک شعار عطفی مبارزاتی، به عنوان یک هدف عاجل و نه اساسی، نزدیک، زمانی مطرح می گردد که شرایط عینی تحقق آن امکان پذیر باشد و تا زمانی که چنین شرایطی وجود دارد هر گونه عدول از چنین شعاری محکوم به شکست قطعی است، همانگونه که تاکتیک پرخسورد بلانکیستی و کودتاگرانه که شیوه معمول جریانات بورژوازی در روند رشد و اعتلای مبارزه طبقاتی است، محکوم به چنین سرنوشت فم انگیزی است، چیزی که سرنوشت امروز شورای طبقاتی مقاومت همدانی عینی آن است.

حزب دمکرات رمز بقای رژیم در آینده، نزدیک را "ضعف، پراکندگی و بالاخره بی برنامگی نیروهای اپوزیسیون دمکراتیک می داند (همانجا). اگر ساله برناه است، بی برنامگی و پراکندگی عامل بقای رژیم است. حزب دمکرات، آنچه را که تا کنون داشته است چه چیزی می داند؟ اما از حق نباید گذشت که حزب دمکرات درست می گوید، برناه ائتلاف گذشته او، هیچ فرقی با بی برنامگی نداشت، همانگونه که ائتلاف گذشته او هیچ تفاوت اساسی با پراکندگی نداشت و ندارد. برناه و اتحاد حول آن، مضمون شخصی دارد. برناه ای که فاقد خملت انطباقی با مضمون اساسی جنبش کمونیستی باشد، مفایر با اهداف کارگران و زحمتکشان سرزمین ایران باشد، فرقی با بی برنامگی ندارد، همانطور که برنامه "امروز حزب دمکرات در حرکت جدید خود فاقد چنین خملتی است ولی بر خلاف تصور حزب دمکرات جنبش امروز تا به برناه نبوده و نیست اما چنین برنامه ای الزاماً هیچگونه انطباقی با برناه دیروز و امروز حزب دمکرات ندارد.

سیاست جدید حزب دمکرات در شیوه برخورد به سالک سرنگونی نیز همچون سرورد برناه ای آن عملاً آن روی سکه سیاست های ائتلافی دیروز است. شکست تاکتیک های ضربتی دیروز مجاهدین را حزب دمکرات می خواهد در ابتکار ضربتی صدآکره با رژیم در صفحه ۲۱

نکاتی پیرامون...

از صفحه ۲۲

فعالیت در این منطقه را به کسب اجازه قلبی و یا " مطلع ساختن پیشمرگان حزب " منوط نموده است.

حق برخورداری از فعالیت سیاسی، نظامی در سرزمین کردستان، حق بلاتردید و دستکارتیک تمامی نیروهای انقلابی است و هیچ نیرویی نمی تواند آن را محدود نماید. و هیچ نیرویی نیز تا کنون چنین اجازه ای را به خود نداده است که بر علیه این سنت دستکارتیک جنبش انقلابی خلق کرد، علنا و رسماً، اعلامیه صادر کند. و حزب دمکرات با استفاده از وضعیت ناشی از درگیری های خود با کرمه گاه، برای اولین بار رسماً دست به چنین اقدام ضد دستکارتیکسی زده است.

هدف حزب دمکرات از انتشار چنین بیانیه ای چیست؟ حزب دمکرات تصور می کند که آزادیهای موجود در کردستان را او لفظاً نسوده که هر لحظه بخواهد با صدور اعلامیه ای بتواند در این عطاای بزرگ ضلله دخل و تصرف بنماید؟ آیا حزب دمکرات تصور می کند که آزادی های موجود در کردستان محصول فعالیت و طک مطلق است؟ اگر چنین امری برای حزب دمکرات مقبول شده باشد پرسیدن است که حزب دمکرات به خاطر دارد زمانی که فعالیت مجدد خود را در محط و حوش قیام بهمن از سر گرفت چقدر نیرو داشت؟ حزب دمکرات از خودش سؤال کرده است که این حزب و فعالیت او در این قطع چقدر رضای بعد از قیام بهمن نقش داشته است؟ آیا گسترش فعالیت بعدی حزب دمکرات محصول وجود چنین غضا و روسیه انقلابی نه تنها در کردستان، بلکه در همه جای ایران بوده است یا برعکس وجود چنین فضایی محصول فعالیت حزب دمکرات بود؟ بدون چنین فضایی دستکارتیک که در تمام آن بدون تردید نه تنها این با آن نیروی خاص، بلکه کلیه نیروهای انقلابی موجود در کردستان نقش داشته اند داضه فعالیت حزب دمکرات تاچه حد می توانست

گسترش یابد؟

برخلاف تصور حزب دمکرات این آزادی ها و این فضایی دمکراتیک جنبش انقلابی خلق کرد محصول یک چارزه طولانی و به هم پیوسته ای است که بعد از در هم شکستن سد دیکتاتوری پهلوی در سال ۵۷ برقرار گردیده است و بر طول جنبش سال گذشته علیرغم سرکوب فضای دمکراتیک روزهای بعد از قیام بهمن، در بسیاری نقاط ایران این آزادی ها در کردستان انقلابی به قیمت دهها هزار قربانی راه رهایی خلق کرد نه تنها از قید ستم ملی بلکه از قیودات و نظامات قرون وسطایی حفظ گردیده است. برای حفظ این فضای انقلابی و گسترش پیروزنده آن خلق قهرمان کرد سینتاز را در مقابل توب و تانک و بیچاران و اعدام و شکنجه سپهر کرده است. در طول این سالها جنبش انقلابی خلق کرد با محتوای عمیق انقلابی و پشتوانه عظیم توده ای خود هر روز بیشتر امروز بیش عرصه بزرگ ترین نبردهای انقلابی بوده، مبارزاتی که رشد و شکوفایی خود را در فضای شکوفان سیاسی جنبش انقلابی خلق کرد در طول شش سال گذشته با تمامی ابعاد آن به نمایش گذاشته است.

وجود و حضور نیروهای انقلابی مختلف با برنامه های مختلف در جنبش انقلابی خلق کرد در حقیقت بیانگر رشد و شکوفایی و رادیکالیسم درونی این جنبش و ظرفیت پذیرش توده های زحمتکش خلق کرد است. واقعتی که انگار عینی خود را در روحیات انقلابی و وضعیت دید زحمتکشان خلق کرد آشکار می سازد جنبش انقلابی خلق کرد امروز دیگر با آموزش از تجارب چنین جنبش هایی، پخته صرفاً تاسیساتی با اهداف محدود از چارزه ملی را بعت سر گذاشته و سرزهای نهایی را پیشرویی خود گشوده است که نه تنها از محدود نگری های تنگ نظرانه و حضاگرانه ای که تفکر حاکم بر اطلاعیه حزب دمکرات سرآ پا آشفته به آن است، دور و جیرا است، بلکه خود بیانگر عمق رادیکالیسم درونی این جنبش و ابعاد طبقاتی معین آن است.

امروز جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان خلق کرد در دفاع

از دستاوردهای خود به آنچنان رشد و افشانی دست یافته است که هیچ نیرویی با هر اندازه وضعت عطف و تضردگی به راحتی قادر به پایمال کردن این دستاوردها - مستقیم و غیر مستقیم - نخواهد بود. شرایط حاکم بر جنبش انقلابی خلق کرد به هیچ نیرویی در عمل این اجازه را نخواهد داد که با سیاست هایی از قبیل سیاست حاکم بر اطلاعیه حزب دمکرات در این جنبش دست به ایجاد محدودیت در فعالیت انقلابی نیروهای سیاسی در کردستان بزنند و اگر حزب دمکرات تصور می کند که با اتکاء به کیفیت نیروی می تواند بر دیگر نیروهای انقلابی امر و نهی و تحکم نماید بسیار دور آشنیاه است. امروز دیگر هر کسی که در کردستان صلاح در دست گرفته است خوب می داند که به چه خاطر و برای رسیدن به چه هدفی این اسلحه را در دست دارد و مسلماً بر این حقیقت نیز آگاه است (و اگر آگاه هم نباشد واقمیت های سر سخت جنبش هر کسی را مجبور به درک حقایق خواهد ساخت) که کسی برای تهدید و درگیری با همسنگران خود، اسلحه به دست نمی گیرد. هدف جنبش انقلابی خلق کرد برخلاف تصور حزب دمکرات کسب آزادی از ستم ملی و فقر و بد بختی ناشی از آن است نه تهدید آزادی کسانی که خود بخشی از این جنبش عظیم توده ای هستند. حزب دمکرات باید بداند که تاکنون نه تنها هیچ نیروی، بلکه هیچ دولت سرکوبگری هم نه تنها با بیانیه ها و اطلاعیه های خود، بلکه با بزرگ ترین و عظیم ترین ماشین های سرکوب نیز نتوانسته است، نیروهای انقلابی را از فعالیت خود بازدارد یا حتی فعالیت آنها را محدود سازد و در راه اهداف آنها مادی ایجاد نماید. حزب دمکرات کردستان نیز نخواهد توانست چنین بکنند. امروز نیز برخلاف تصور حزب دمکرات هیچ نیرویی برای فعالیت سیاسی و نظامی در کردستان از حزب دمکرات با هر نیروی دیگری اجازه نخواهد گرفت، همان طور که تا کنون و در هیچ جای دیگری نیز چنین نبوده

نکاتی پیرامون

است. بگذار
بگویم کسانی هم که بر این
تعمیرات ضد دستوراتی کردن
بگذارند همچون خود چنان
چنین سیاست‌های غیر اصولی و
تغایر با دگرانیسم حاکم بر
جنبش انقلابی خلق کرد مطرود
تمامی جنبش خواهند بود.

سازره انقلابی شترن تنها
در یک فضای دگرانیسم فیمابین
نیروهای انقلابی امکان پذیر
هست و هیچ نیرویی حق تحصیل
سیاست‌های خود به هر بهانه و
ستمسی بر دیگر نیروها را با هر
میزان وسعت و دانش فعالیت
ندارد. اگر نیروهای وجود
دانشه باشند که تحمل فعالیت
سیاسی دیگر نیروهای انقلابی
را نداشته و طاقع خسوف را از
همین امروز بر تهدید آزادی
فعالیت نیروهای انقلابی و زودها
نهادن سنت‌های دگرانیسم
جنبش جنبجو نمایند، و با انواع
و اشکام اطلاعاتی‌ها و بیانیها

و وسایل و طرق مستقیم و غیر
مستقیم سعی در تحصیل عقاید
و عملکردهای خود به دیگران
برآیند، باید قبل از همه در
ماهیت عملکردهای خود و درک
خود از دگرانیسم تردید نمایند
تا هر تصور دیگری.

در یک کلام اقدام حزب
دگرانیسم اقدامی مغایر با
سنت‌های انقلابی حاکم بر
روابط فیمابین نیروهای انقلابی
در جنبش و در جهت تحصیل

سیاست‌های صحیحی از طریق
اعمال زور به نیروهای موجود
در کردستان است. و بر خجسته

فاطمه با این سیاست غیر اصولی
حزب دگرانیسم و طبقه تخطی ناپذیر
هر نیروی انقلابی است. ما
عمقاً اعتقاد داریم که باید با
سرخورد جدی با چنین تفکرو
عملکردی در جنبش انقلابی خلق
کرد، از تبدیل شدن جنبش
سیاست‌هایی به یک سنت مذموم
در ابعین جنبش جلوگیری نمود.

ما نه تنها خواهان پسر
گرفتن این اطلاعات از سوی
حزب دگرانیسم، بلکه محکوم
کردن چنین اعمالی از سوی هر
نیرویی که باشد هستیم.

★

مجازات

یکی از جاسوسان رژیم

نظامی پیشمرگان فدائی در منطقه
سقز در پی تلاش برای ایجاد
ارتباط مجدد با مزدوران رژیم،
در حین فرار در شب ۱۱/۱۱/۶۳
دستگیر و فردای آن روز بعد
از معاکه و اعتراف به روابط
خود با جاسوسان محکوم به اعدام
گردید و حکم اعدام در مورد
ناجسده در همان روز به مرحله
اجرا درآمد.

یکی از جاسوسان رژیم به
نام حسین عبیدی فرزند علی،
که از سال ۱۳۵۶ جزو جاسوسان
رژیم در منطقه تکاب بوده و
در اکثر عطیات‌های پاسداران
شارکت داشته است و در سال ۶۳ خود
را با یک قبضه اسلحه و ۳۰۰
پیشمرگان کوه‌له داده و سپس
بعد از مدتی به پیشمرگان فدائی
پروسته بود، طی یک جوله سیاسی -

عملیات پیشمرگه

۸	کین و کنترل جاده
۶	ممن گذاری
۱۱	مقابله در برابر یورش رژیم
۷	حمله به مراکز رژیم در شهرها
-	خلع سلاح پایگاه
۱	مصادره و انهدام تاسیسات
۱۲	حمله به پایگاهها
۴۵	جمع

۱۳	شهدای پیشمرگه
۱۵	اهالی بی دفاع

تلفات دشمن

۷۸	کشته و زخمی
۷	اسرای دشمن
۳	خود رو ضهدم یا مصادره شده
-	سلاحهای منهدم شده
-	صهات منهدم شده

جدول یک ماهه
عطیات پیشمرگان
خلی کرد

۲۷ اسفند تا ۲۷ فروردین

غنائم بدست آمده

-	جنگ افزار سنگین و نیمه سنگین
۵	انواع نارنجک
-	پی سی
-	انواع فشنگ
۸	خسب
۱۷	جنگ افزار انفرادی
-	گلوله اسلحه سنگین و نیمه سنگین
۱۷	پوشش فریب خوردگان

آمار این جدول عمدتاً از
اخبار رادیوهای حزب دگرانیسم
و کوهله برگرفته شده است.

سهرکه و تویی بزوتنه وهی شورشگیرانه ی گه لی کورد

بیدار کند.

دیگریهای

حزب دمکرات و کومهله...

از صفحه ۲

از سوی هر دو نیرو با نظارت نیروهای سیاسی و التزام به تشکیل کمیته‌های مرکب از نیروهای انقلابی صورت پذیرش طرفین و گشایش باب مذاکره برای حل مسائل فیما بین. طبیعی است که آتش‌بس ادامه دار فیما بین دو نیرو که تنها حصول توافق‌های اصولی طرفین خواهد بود، نیز یکی از اولین مباحث چنین مذاکراتی می‌تواند باشد.

۳) ارائه طرح مشخص و عینی برای آغاز مذاکره و قطع درگیری‌ها بر اساس آن، همانطور که بارها گفته‌ایم، چنین طرحی می‌باید بر موارد مشخص مورد اختلاف طرفین در زمینه‌های مختلف و به ویژه عوامل اصلی بروز درگیری‌ها در شرایط کنونی و در جریان عملی مبارزه تأکید نماید.

اصول اساسی چنین طرح عملی و مشخصی را که بتواند رابطه بین نیروهای انقلابی در کردستان را تنظیم نماید می‌توان در رؤس کسب زیر خلاصه نمود:

الف) پای بندی به اصول دمکراسی در چارچوب حقوق بشرکراتیک توده‌ها و احترام به آزادی تبلیغ و ترویج سیاسی یعنی پای بندی و التزام به حق آزادی نیروهای سیاسی در تبلیغ و ترویج اهداف و برنامه‌های سیاسی و ایجاد روابط خود، آزادی و حق تشکیک برای توده‌ها، حق انتخاب آزادانه راه و مسیر آینده از سوی خود کارگران و زحمتکشان کردستان، رعایت حقوق و آزادی‌های دمکراتیک آنها، حق مشارکت فعال مردم کردستان در سرنوشت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود از طریق ارگان‌های خاص خود از قبیل شوراهای صلح و انقلابی و دیگر اصولی که در تمامی زمینه‌ها می‌تواند در صورت پذیرش این اصل اساسی تدقیق هرچه بیشتر

از این رو آنچه که در شرایط کنونی اهمیت اساسی و عاجل دارد، ارائه یک راه حل عینی و مشخص جنسی بر اصول دمکراتیک ناظر بر جنبش انقلابی خلق کشور و دستاوردهای عظیم مبارزه کنونی است. اصولی که از یک سو چارچوب معینی را در مجموع خود نه تنها در روابط فیما بین دو نیرو، بلکه اصولاً در برخورد با برنامه‌ها با اهداف و ضروریات عملی جنبش کنونی را مد نظر قرار داده، اساس محکمی را برای مرحله کنونی مبارزه و حل اختلافات فیما بین نیروها در تمامی عرصه‌ها بی‌ریزی نماید. مسلم است که این اصول نمی‌تواند جدا از مسائل صیرم جنبش خلق کرد در شرایط حاضر باشد، بلکه بالعکس زمینه اصلی خود را از ضروریات عاجل امروز و آینده آن گسبی نماید.

ما معتقدیم که اختلافات فیما بین حزب دمکرات و کومهله باید در مرحله کنونی رشد مبارزه طبقاتی جاری در کردستان در چارچوب اصول دمکراتیک جنبش بر اهداف مرحله‌ای جنبش انقلابی خلق کرد حل و فصل گردیده، از هرگونه گسترش درگیری‌های نظامی اجتناب گردد و برای انجام این کار پذیرش موارد زیر از سوی هر دو نیرو تنها راه قطع فوری درگیری‌ها و جلوگیری از هرگونه درگیری مجدد است.

۱) پذیرش این واقعیت از سوی هر دو نیرو که حل اختلافات فیما بین در شرایط کنونی از طرق سیاسی امکان پذیر بوده و هست و هرگونه توسل به اسلحه و زبان گلوله و تهدید به درگیری‌های گسترده و یا سراسری محکوم و طرد است.

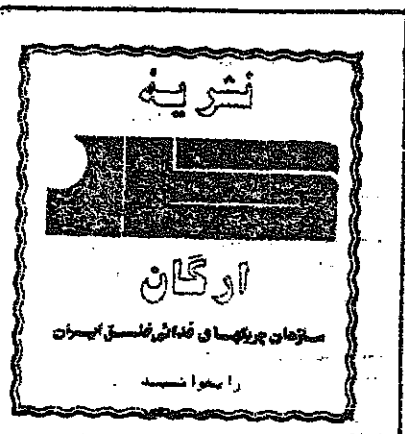
هر چند هر دو نیرو در شرایط حاضر به پذیرش چنین واقعیتی اذعان دارند، ولی تا زمانی که این اعتقاد در عمل و در جریان واقعی رابطه فیما بین دو نیرو نتوانسته جامعه عمل به خود ببوشد و تبدیل به یک حرکت عینی و هدفمند و مشخص گردد، مسلماً بی‌اقتداری به چنین راه حلی را به اثبات می‌رساند.

۲) پذیرش اصل مذاکره بدون قید و شرط و اعلام آتش‌بس فوری

بم تعیین حدود و چارچوب اداره امور در کردستان و التزام هر دو نیرو بر آن در تمامی موارد مورد اختلاف از قبیل کمراکات و دیگر مسائل مربوط به اداره مناطق آزاد شده و اداره امور در سراسر کردستان و ایجاد ارگان ناظر بر این توافق‌ها، با مشارکت فعال دیگر نیروهای انقلابی مورد تأیید طرفین.

چارچوب فوق تنها زمینه‌ای است که بر جنبای آن می‌توان راهی برای قطع درگیری‌ها جست و این وظیفه هر نیروی انقلابی است که در شرایط کنونی با پشتیبانی از این چارچوب دمکراتیک و اصولی به تعهد خود در قبال جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان عمل نماید. ما از تمامی مردم زحمتکش کردستان و از کلیه نیروهای انقلابی می‌خواهیم که با پشتیبانی از راه حل فوق از هر دو نیرو صراحتاً بخواهند که برای پایان دادن به وضعیت شغنج کنونی اختلافات خود را در این چارچوب حل و فصل نمایند. ما از حزب دمکرات و کومهله می‌خواهیم که بطور صریح و روشن موضع خود را در این مورد اعلام نمایند.

بدیهی است اثناء هر کدام از این دو نیرو در پایان دادن به وضعیت شغنج کنونی و طفره رفتن از هرگونه راه حل عینی و مشخص که به نظر ما نمی‌تواند جدا از این چارچوب باشد، نشانه عدم مسئولیت در قبال جنبش و گرایش به ادامه درگیری‌ها و دادن زدن به ایجاد جامعه بار آن خواهد بود.



نبرد حماسی پیشمرگان فدائی در منطقه سقز

کردستان انقلابی همچنان کانون رزم خلق قهرمان کرد است که بیش از ۶ سال است در مقابل اوجهای ترین و سفک ترین رژیم های تاریخ سرفراز ایستاده و پرورش بیش از ۲۰۰ هزار سزور ارتش و سپاه جمهوری اسلامی را با پیشرفته ترین ادوات جنگی آن تاگام گذاشته است.

فقط با پشتوانه و حمایت بسی نظیر این خلق انقلابی است که پیشمرگان دلیر کرد در هر روز و هر لحظه در میان شمار پارگانها، در شب شهرها و در کنار اردوگاههای نظامی دشمن حماسه ها می آفرینند و هر روز و هر ساعت در نبرد نابرابر لشکری از ارتش ارجاع را به کام مرگ می فرستند. همین رزم دلیرانه هر روز ادامه دارد و نترسیده نیز با قدرت و توان هر چه پیشتر طلسم آدامه خواهد داشت. نبرد حماسی اخیر پیشمرگان فدائی در منطقه سقز نقطه کوفه ای از این نبراست. پیشمرگان فدائی گاه در واحدهای تک یا دو نفره، سر این نبر درگیری های چندین ساعته، آنچنان تهوری از خود نشان داده اند که از نظر یک فرد نا آشنا به وضعیت کردستان و بیگانه از روحیات انقلابی خلق کرد، قابل تصور نخواهد بود.

صبح روز ۲۷ بهمن ماه گذشته، تعداد پیشماری از جاش های خود فرودخانه شاطیق سفندج، سروران، دیواندیره، افسار، سقز و کامیاران برای به کمین انداختن پیشمرگان دلیر کرد، روستاهای اطراف سقز را به محاصره خود در آوردند.

جاشهای مزبور که از فعالیت انقلابی یک دسته از پیشمرگان فدائی در اطراف شهر سقز مطلع بودند تا حدود ساعت ۱۲:۳۰ بوقه این روستاها را محاصره کرده آمدند، لگتی، هلاکین، چاخلو و کاشی - خان را در منطقه جنوب سقز بطور کامل محاصره کردند.

در روستای علی آباد حدود ۲ کیلومتری شهر سقز، یکی از پیشمرگان فدائی به محاصره جاشهای مزبور درمی آید. جاشها سر حالیکه گرداگرد روستا را گرفته بودند، در داخل مسجد و اطراف خانه و همه کچه های روستا سنگر گرفتند و دسته ای دیگر به سوی خانه ای که رفیق پیشمرگ در آن بود هجوم آوردند. آنها پشت بام و اطراف دیوارها، خانه را کاملاً به محاصره در آوردند و با فرسایش از پیشمرگ فدائی خواستند که خود را تسلیم کند. اما وقتی از

این کارها شروع شدند به شکل خنجر آمیزی اتاقهای خانه را به رگبار بستند و پرتاب نارنجک را آغاز کردند. خانه از نظر نظامی موقعیت مناسبی نداشت. اطرافش خالی و از یکطرف چسبیده به سجد بود. اقدام به شکستن محاصره قابل تصور نبود. جاشهای متفر در سجد تا صافتهای دور را زیر کنترل خود داشتند. جاشها اتاقی را که تصور می کردند پیشمرگ فدائی در آنست با آر. پی. جی به آتش کشیدند و پس از مدتی تیراندازی صدهای از اهالی روستا را به داخل خانه فرستادند و تا بتوانند پشت آنها سنگر بگیرند و قدرت عمل را از رفیق پیشمرگ سلب نمایند. در این هنگام یکی از جاشهای مزبور بنام "صالح صالحی" طبق به "صالح قره بخره ای" که فرمانده این ستون بود به همراه دو جاش دیگر به خیال اینکه پیشمرگ فدائی به شهادت رسیده است، وارد خانه شدند. رفیق پیشمرگ که خود را روی نسل گاه پنهان کرده بود، به محض مشاهده آنها، طبق سبک سواران را نشانه گرفت و به سوی آنها آتش کشید. "صالح قره بخره ای" یکی دیگر از جاشها به نام "کریم سفندجی" در دم بهلاکت

رسیدند و نفر سوم که فرصت باقی بود یک رگبار به سوی رفیق پیشمرگ سازمان کشاید. سرت از میله گریخت. یکی از گلوله ها گردن پیشمرگ سازمان را شکافت و خون تمام صورت او را فرا گرفت. قدرت خطری رفیق پیشمرگ را به مدت ۱۵ دقیقه بی هوش کرد و او را در زمین انداخت.

مرضت عمل رفیق در بهلاکت رسانیدن این دو جاش مزبور، نظر همه پاسداران و جاشهای سزور را بنده آورده بود. حتی لحظاتی بعد از آنکه رفیق پیشمرگ سازمان بهوش آمده بود، هیچ کس در دم بر نمی آورد. هر گونه حرکتی از جاشها سلب شده بود. هیچ صدای تیری از جاشها شنیده نمی شد. جاشها و پاسداران پشت سنگرهای خود کز کرده بودند و جرات جرمی درون آوردن نداشتند. رفیق پیشمرگ تازه بهوش آمده بود که جاشها برای جبران این شکست سخت بار پاری دیگر به داخل خانه هجوم آوردند. اما رگبار مسلسل پیشمرگ فدائی مبتلشان قادر و یکی دیگر از جاشهای مزبور منطقه سقز بنام "محمد لاجوا" مورد اصابت گلوله قرار گرفت و مجروح روی زمین افتاد. دوساره لحظاتی سکوت بر فضای خانه حاکم شد.

حدود ساعت ۱ بعد از ظهر بود که سزوروان چند نفر از اهالی راهزور به داخل خانه فرستادند که جنازه جاشها را از داخل خانه منتقل کنند. رفیق پیشمرگ دو قفسه کلاشینکف جاشها را همراه با مهمانان صادره کرد و بخاطر حفظ جان روستائیان، اجازه دار اجساد را خارج کند. سهر با استفاده از فرصت شغلی سوراخ کردن دیوار اتاق شد و موفق گردید به انبار خانه راه باز کند. او خود و ملاحهای به خدمت گرفته شده را به درون انبار کشید و ضمن تیراندازی مضه دست به کار شد تا شگای دیگری بسوی بیرون از انبار بکشد. در این هنگام جاشها دوساره خانه را زیر آتش آر. پی. جی و نارنجک گرفتند و با بخش گازوشیل وقت از سقف خانه هگی اتاقهای آن را به آتش کشیدند. رفیق پیشمرگ آخرین خشت دیوار را با نوله سلاح خود سوراخ کرده بود که جاشهای نگهبان اطراف خانه ضربه

سرسوز گذاشتن بر شکمهای خود، بیکر این دو رفیق را در روز ۲۸ بهمن ۶۳ به داخل شهر سقز برده و در ملاعام به نمایش گذاشتند.

شاخه کردستان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، شهادت این دو رفیق قهرمان رفقا احمد محمدی و محمد رضوی را به خانواده های زحمتکش این دو رفیق تسلیت می گوید.

باشد روزی که جانبازی فرزندان این خلق قهرمان، مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران را استوارتر سازد.

صلیات

در داخل شهر سقز

در روزهای ۱۶ و ۱۷ اسفند ماه گذشته، دو تن از هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در شهر سقز، که قصد پیوستن به صفوف پیشمرگان سازمان را داشتند، طرز دو عملیات بیابانی دو تن از جاش های مصروف سقز را به هلاکت رساندند. اولین عملیات ساعت ۱۱ صبح روز ۱۶ اسفند ماه صورت گرفت که طی آن جاش معروفی به نام "محمدظاهری" را با اقدام انقلابی به سزای جنایات خود رساندند. در این عملیات املحه گسری این جاش خودفروشی صادره انقلابی گردید.

دوین عملیات ساعت ۷/۵ بعد از ظهر ۲۱ اسفند، توسط همین دو رفیق صورت گرفت. آنان در محل پل بزرگ شهر سقز، دو نفر از مزدوران گشت ثارالله را که سوار بر موتورسیکلت بودند، مورد حمله قرار دادند که در نتیجه یکی از آنها به هلاکت رسید و دیگری زخمی شد. این دو رفیق بعد از این عملیات پیروزضدانه به صفوف پیشمرگان پیوستند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
شاخه کردستان

۸ / فروردین / ۶۴



نبرد حماسی

گمیل داشته بودند، دستگیر شد.

جاش های مزدور برای دستگیری این رفیق، خود را به نام پیشمرگان یکی از نیروهای سیاسی کردستان معرفی کردند و او بدین توجیه به این حمله رزم و با این تصور که آنها نیروی پیشمرگه هستند، فرصت استفاده از سلاح را نیافت و به دست مزدوران اسیر شد.



و بالاخره شاکاه همین روز یعنی ۲۷ بهمن ماه، یک واحد دیگر از پیشمرگان فدائی که برای انجام مأموریت سازمانی به طرف روستای لگزی در منطقه جنوب سقز در حرکت بودند، بدون اطلاع از تعرض گنجرده نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی، به روستاهای این منطقه در نزدیکی روستا به کمین مزدوران اقتصادند. با این حال به سرعت خود را از کمین بیرون کشیدند و به مقابله با مزدوران پرداختند. در این درگیریها که چندین ساعت بطول انجامید، دو رفیق مورد اصابت گلوله های دشمن قرار گرفتند و به شدت زخمی شدند. رفیق احمد محمدی از رفقای فعال تشکلات شاخه علیرفم آنکه در همان اولین درگیری درگیری مجروح شده بود پس از نبرد قهرمانانه به منظور حفظ اسرار سازمانی با آخرین گلوله خودش خود را به شهادت رساند و در راه ارضان پرولتاریا جان باخت.

رفیق دیگر محمد رضوی رفیق وریا در حالیکه به شدت زخمی شده بود به اسارت مزدوران درآمد. وی بنحاطر مقاومت انقلابی برای حفظ اسرار سازمانی پس از سه ساعت تحمل سخت ترین شکنجه ها به جوشه اعدام سپرده شد و در راه صوبالیسم جان باخت. پاسداران و جاشهای مزدور، برای ایجاد جو رعب و به منظور

خندند و محل استقرار او را زیر رگبار مسلسل و نارنجک گرفتند. بیکر دو و آتش همه آنها و انبار را فرا گرفته بود.

او تصمیم گرفت برای آنکه بدست جلازان نیفتد، به زندگی خود خاتمه دهد. گلوله سلاحش را زیر چانه گرفت و انگشت را روی ماشه گذاشت. اما نه، به یاد "اسکندر" افتاد. پیامک اصدیان، نبردهای قهرمانانه او را در کردستان دیده بود و آوای پیروزی را می شناخت. فدائیان خلق صلاح نمی شود، گر آنکه کشته شود.

کمونیستها برای پیروزی هیچ فرصتی را از دست نمی دهند. اگر قرار است کشته شود چرا که در صحنه نبرد نیاشد. بصورت برخاست و سلاحش را از گلوله های دشمن پر کرد و چابک نارنجکهایش را کشید. از شکاف سقف یکی را روی پشت بسام انداخت و دیگری را همزمان به داخل حیاط. پاسداران از ترس انفجار از پشت بام به زیر پریدند و دیگری از درون حیاط خانه گریختند. رفیق پیشمرگ با رگبار بی اتان صاصل خود رابه روی پشت بام رسانید و جنگگر مزدوران را زیر آتش گرفت. ساعت حدود ۵/۵ بود، هوا تازه روبره تاریکی می رفت، که یک قسمت از خانه بر اثر انفجار تی.ان.تی. مزدوران فروریخت. مزدوران دو دست دیگر از جاش ها را نیز از روستای چاخلو و کسرم آباد به کمک طلبیده بودند تا در ادامه شکت خود صهیانشان کنند. حدود ساعت ۷، هوا دیگر تاریک شده بود که پیشمرگه فدائی آخرین رگبار گلوله خود را بسوی دسته ای از مزدوران نشانه رفت و زهرحایت رگبار خود از بام خانه به زیر رسید. حلقه محاصره را شکست از دل کوههای پر برف گذشت و پیروزضد و سرافراز به پایگاه خود رسید.



صبح همین روز یکی دیگر از پیشمرگان سازمان، که برای انجام مأموریت به روستای "قاضی خان" منطقه "نیله کوی" سقز رفته بود، توسط دسته دیگری از جاشهای مزدور که در همان روز نیروی صهیونی را به این منطقه

بنامیت دهم فروردین سالروز شهادت

قاضی محمد ، رهبر نخستین جمهوری خودمختار کردستان

دوم فروردین ماه اهداف باسارروز شهادت قاضی محمد ، رهبر نخستین جمهوری خودمختار کردستان در سالهای ۲۵-۱۳۲۴ است. در چنین روزی بود که رژیم پهلوی بعد از سرنگونی جمهوری خودمختار و سرکوسی جنبش انقلابی در کردستان قاضی محمد و دیگر رهبران جمهوری از جمله صدر قاضی و سیف قاضی را به دار کشید .

جنبش ملی کردستان در سالهای ۲۵-۲۴ در حقیقت همچون جنبش انقلابی سراسر ایران بعد از سقوط دیشاتوری رضاشاه در شهریور ۲۰ بر زینه بحران سیاسی بعد از سقوط دیکتاتوری پا گرفت و در سال ۲۴ به دنبال اعلام جمهوری خودمختار در آذربایجان ، در کردستان نیز جمهوری خودمختار تشکیل گردید با تشکیل این جمهوری مبارزات کارگران و زحمتکشان سراسر ایران وارد مرحله حماسه وجدیدی گشت.

جنبش ملی سال ۲۵-۲۴ برای پایان دادن به خصم ملی که در دوران دیشاتوری رضاشاه به سیمانه ترین شکل آن اعمال گشته بود و کسب حقوق دیکتاتیک خلق کرد شعله ور گردید و قبل از همه ریشه در واقعیت های زندگی اجتماعی در کردستان داشت ، و بدون ایجاد تغییرات اساسی در نظامات اجتماعی حاکم و تحقق بخشیدن خواست های بحق عموم زحمتکشان خلق کرد نمی توانست پایرجای مانده و به حیات انقلابی خود تداوم بخشد . عوامل متعددی از جمله در اساس عدم برخورد جدی به این واقعیت و تیز بها دادن به سازماندهی و تسلیح توده های زحمتکش حول اهداف انقلابی آنها دست آخر کم بها دادن به ایجاد ارتباط ارگانیک مبارزات با جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان سراسر ایران شکست نخستین جمهوری خودمختار در کردستان

را امکان پذیر ساخت و در اولین پورش رژیم ارتجاعی پهلوی و دولت سرکزی به کردستان جمهوری خودمختار کردستان در هم شکست و رهبران آن دستگیر شدند .

قاضی محمد در آخرین روزهای حیات جمهوری خودمختار که دیگر پورش رژیم به کردستان قطعی شده بود برخلاف بسیاری از رهبران این جمهوری و اطرافیان خود که اکثر آنها را قتل و الهماو خان ها تشکیل می دادند سیاست دفاع از جمهوری و حقانیت آن ماندن در کنار توده های زحمتکش را برگزید . اما بسیاری از اطرافیان او زمانی که روز صاف قطعی با ارتجاع حاکم بر ایران فرار رسید فرار را بر فرار ترجیح دادند . اما قاضی محمد در مقابل پورش رژیم ایستاد و مرگ با افتخار را بر تنگ فرار ترجیح داد و نسبت پایداری را از خود بر جای گذاشت . او سنگر دفاع از جمهوری را ترک نکرد و در راه دفاع از حقوق حقه خلق کرد جان باخت .

رژیم پهلوی تصور می کرد ، با سرکوب جمهوری خودمختار و اعدام قاضی محمد و دیگر یاران او می تواند به سیاستهای ارتجاعی خودش در کردستان برای همیشه ادامه دهد . کسی را برای مقابله بنا او نخواهد بود . اما جنبش انقلابی خلق کرد برای احقاق حقوق حقه خود در کردستان فراتر از آن بود که دشمن فکری کرد . جنبش انقلابی در کردستان ریشه دارتر از آن بود که ارتجاع تصور می کرد . رهائی ملی هدف و آرمان خلق زحمتکش کردستان بود . رهائی ملی برای توده های زحمتکش کردستان قهومی جز رهائی از نظامات پوسیده و کهنه شیزنی و خان - خانی و ستم بی حد و حصر ناسواز حاکمیت ستم ملی نداشت و همان اهداف و آرمانی که هنوز هم خلق قهرمان کرد با تمام توان منجزتر از پیش برای رسیدن بسنه آن

پای می فشارد .

با سرکوب اولین جمهوری خودمختار ، جنبش انقلابی خلق کرد از پای نیفتاد ، با آسوز از نخستین تجربه خود دوباره سر بر آورد ، نخستین نعلبه های آن در سال های ۲۷-۲۶ هر چند بطور پراکنده اما با عزمی استوار دوباره زبانه کشید اما با اوجگیری مبارزات توده های کارگر و زحمتکش سراسر ایران در سالهای ۲۷-۲۶ و به دنبال آن بعد از قیام شکوهمند ۲۲ بهمن ۲۷ مبارزات خلق قهرمان کرد وارد مرحله جدیدی گشت و با زنده نمودن سنتهای پایداری مبارزاتی خلق کرد ، عرصه های نوینی را به ثمری خود گشود .

جنبش انقلابی خلق کرد بعد از سرنگونی رژیم پهلوی بسا قدرتی هر چه بیشتر برای تحقق اهداف دیرینه خود در مقابل رژیم تازه به قدرت رسیده ، به دفاع از دستاوردهای خود برخاست . و تسلیح عمومی توده ای در کردستان تحقق گردید و زحمتکشان کردستان از همان روزهای نخست بعد از سرنگونی رژیم پهلوی قهرمانان به مقابله با هر گونه تلاش ظوحنانه رژیم جمهوری اصلاحی برای ادامه وضعیت متحرانه گذشته برخاستند . اینک بهیشت از شش سال است توده های زحمتکش خلق کرد برای کسب حق تعیین سرنوشت خود یکی از عظیم ترین مبارزات خلقهای تحت ستم ایران را به پیش برده و در جریان همین مبارزه سرخستانه نیز به تجربیات و دستاوردهای گرانقدر دست یافته اند . و سازش ناپذیر و استوار بر اهداف انقلابی و دیکراتیک خود پای می فشارند .

جنبش انقلابی خلق کرد امروز ، یاد قاضی محمد را به خاطر تسلیح ناپذیری او در مقابل دشمنان خلق کرد گرامی می دارد . و از همین رو نیز یاد قاضی محمد رهبر نخستین جمهوری خودمختار کردستان علیرغم تمامی نقاط ضعف این جمهوری و خطا طره مقاومت و ایستادگی او برای همیشه در دل زحمتکشان خلق کرد زنده خواهد ماند .



در حاشیه

تخلیه وسیع

شهرهای بمباران شده . . .

در نیمه فروردین ماه، پس از بمباران شهرها و مردم بی دفاع توسط دولتین ایران و عراق و صرائی قضی از شهرهای کردستان نظیر بانه، سرپولان، سردهشت، پیرانشهر، سنندج و کشته و زخمی شدن مدها تن از مردم، طبرستان تا پیش استاندار کردستان و یکی از مزدوران سرسیده رژیم، طی صاحبه ای با رادیو سنندج، ضمن گزارش جلسه شورای اداری استان در سال ۱۴، کوشید تا اوضاع نامآسان شهرهای بمباران شده کردستان را عادی جلوه دهد.

این صاحبه در شرایطی صورت گرفت که شهرها از سکنه خالی بودند و اهالی آنها در حالی که تمامی وجودشان را تنفر نسبت به جنسک صیبت بار ایران و عراق فرا گرفته بوده، خانه و زندگی خود را رهنا ساخته و برای حفظ جان خود و فرزندان شان آواره کوه و دشت و بیابانهای اطراف شده بودند. همه چیز صورت عادی خود را از دست داده بود و حتی ادارات دولتی بدون تصحیبات رسمی توسط کارکنان آنها به تعطیل کشیده شده بود.

جناب استاندار در صاحبانتر با زبونی روی این مسئله انگشت گذارد و کارمندان را مورد خطاب قرار داد و از آنها که در جریان بمبارانها دست از کار کشیده بودند و صل کار خود را ترک کرده بودند، خواست تا پناهنده صلحت به سرکارشان برگردند. او گفت:

به هیچوجه صلاح نیست کارهای مردم صرفاً بکنیم و مشکل به اینکه بینیم وضعیت چه منه . . . کارمندان ادارات کماکان آن کار طبعمی خود مشون رو انجام بدن و مسئله ای هم ندارند . . .

تا پیش این مزدور دست نشانده بی این جمله کوتاه به روشنی آوج در ماندگی و هراس رژیم را از قدرت تبیده ای مردم بیان داشت. واقعا کسه "صلاح" نیست کارهای مردم صرف شود زیرا جمهوری اسلامی طی ۱

سال تلاش برای تثبیت حاکمیتش در کردستان عملاً قدرت توده های خلق کرد را بارها آیسوده است و بارها طعم تلخ قهر آنان را چشیده است. شاید تا پیش حق دارد که سرمایه از خدمتگزاران دولت بخواهد تا متظر نباشند به اینکه "وضعیت چه منه".

ولی حقیقت این است که نه این "صلاح" و صلحت استاندار مزدور رژیم به خاطر ضایع توده های مردم است و نه نگرانی های او از هائیب و تقایح فلاکتبار این جنگ بی فرجام است که هر روز بیشتر زندگی کارگران و زحمتکشان را به تیاهری می کشاند. از نظر او سرزشت جنگ هر چه خواهد شد بگذار بشود، مسئله او خود مردم است. انفجار خشم انباشته شده اهالی شهرهاست که موجودیت ضحور رژیم را با خطر رو برو ساخته و نشان های آن به صورت اعتراضات علنی علیه جنگ و رژیم بعد از بمباران در شهرهای کردستان، مزدوران و پاسداران را به وحشت انداخته است.

استاندار مزدور رژیم علاوه بر همه اینها در صاحبه خود به واقعیت دیگری اعتراض کرد و حیوانانه تلاش نمود آنرا لاپوشانی نماید. و آن غارت اموال مردم توسط جاشها و دیگر مزدوران رژیم بود. در شهرهای تخلیه شده مزدوران صلح رژیم فرصت یافته اند آزادانه به هر جوان در شهر بپردازند و به هر خانهای سرکشیده با خیالی آسوده دست به غارت اموال اهالی بزنند. حال بینیم بی در حالیکه به این غارتگری اعتراض نمود چگونه در مردم لاپوشانی کردن آن برآمد. او گفت:

"راجع به جلوگیری از سرقتی که در شهر در چنین مواقع هست ما حور شهرتانی هم یک گزارش دادند. اونچه که واقعت داره اینه که همه ما منتقدیم در یک چنین مواقعی واقعا باید با سارق برخورد جدی کرد. این خواست

همه مردم . . .
و باز ادامه می دهد:
"چون شهرتانی اطلاع کافی از این قضیه نداشت بجز از زبانها که من می شنوم آمار دقیقی منی بر این کار ندارم. اگر کسی واقعا سرقتی شده ازش صراحه بکند و چیزی را بپوشد که ما واقعا بفهمیم که درصد سرقت چقدر بوده و نسبت به روزهای عادی چقدر بالا رفته . . ."

تا همین جا مفصله گوئی کافی است. استاندار خود را با وثاقت به نادانی می زند تا با طفره رفتن از پذیرش مسئله سر باز زند. او پراحتی نمی تواند و قادر نیست جاشها یعنی همان دزدها و صارقینسی را که حتی بر سر تقسیم اجناس به غارت برده شده با هم به زد و خورد بپردازند و هم ماصوران شهرتانی گزارش آنها را داده اند و هم خبر آن را از زبانها شنیده است. به توده های مردم معرفی نماید. آقای استاندار که خود سردهشته همین دزدها و اوباشان است چگونه می تواند دشت هم گاسه های خود را که در غارت و چپاول اموال و دسترنج زحمتکشان کردستان هیچ حد و صری نمی شناسند باز نماید.

بیگاییش پیدا است که او چگونه می خواهد با "سارقین بر خورد جدی" نماید و آنان را برای "مجازات" به دست حکام قضائی رژیم سپارد، کسانی که تنها وظیفه شان محاکمه انقلابیون و شکنجه و اعدام مدافعین مضع کارگران و زحمتکشان می باشد و درنتهان تا صرفی به خون آنان آفته است و خود نیز از مزدوران سرمایه داران چپاولگر و برادران جاشهای مزدور هستند.

استاندار به عبت گمان کرده است که می تواند با این سفخنان مردم کردستان را بفریبد. اهالی بجمتکثر شهرهای کردستان که همواره با پشتیبانی بی دریغ از پیشسراگان دلیر کردستان در جاززه علیه مزدوران رژیم در تداوم جنبش انقلابی نقش بسزائی ایفا نموده اند، به خویشی ماهیت رسوای دست اندر کاران و عوامل رژیم را می شناسند و به درستی می دانند که تا سرنگونی قطعی جمهوری اسلامی از هائیب و جنایات آن رهائی نخواهند یافت.

اخبار جنبش مقاومت نوده‌ای



رہم جمهوری اسلامی برای نپل به امداد ارتجاعی و ضد خلق خود، پس از ۶ سال است که به وحشیانه ترسین گفتارها و جنایات در کردستان انقلابی دست بازده است و انواع سیاست‌های ارتجاعی و ضدانقلابی از قبیل محاصره شدیدی اقتصادی، توطئه و خنجره باران شهرها و روستاها، کج اجباری و تخلیه و سران نمودن روستاها، تملیح اجباری زمینگان کردستان سرپاژد گوری اجباری فرزندان خلق کرد را به کار گرفته است.

رہم جمهوری اسلامی بهترین فشار را بر طول حیات تنگین خود بر زمینگان خلق کرد وارد آورده است تا مگر در اراده انضار آنها بر مبارزه برای تحقق امداد خود خلقی ایجاد نماید. اما نه تنها نتوانست است در این زمینه به امداد ضد انقلابی خود دست یابد، بلکه کارگران و زمینگان خلق کرد را بر تحقق امدادشان هر چه مصمم تر ساخته است. رهم جمهوری اسلامی، عاجز از برک این واقعیت است که سرزمینی که برای بدست آوردن حقوق حق خویش و رهائی از یوغ ستم‌طی

برای کسب حق تعیین سرنوشت سیاسی - اقتصادی و اجتماعی خود، صلاح بر دست گرفته است هرگز در طلب سرکوبگران خود طلب نخواهد نشست . . .

در این ماه، فشار رهم بر زمینگان روستاها ایجاد گسترده‌ای به خود گرفته است که تقریباً در تمامی موارد، سیاست‌های رهم با تاکتیک روبرو شده است. این امر نشان دهنده عزم و اراده آهنین زمینگان کردستان انقلابی بر ادامه هرچه قدرتمند مبارزه کفیی در راستای کسب حق تعیین سرنوشت خود، و شکست ناپذیری این جنبش عظیم انقلابی است.

رهم در عین حال برای پیج نپل جهت لزوم به صلح جنگ ارتجاعی دولتین ایران و عراق در کردستان انقلابی نیز همچون دیگر نقاط ایران در یک ماه گذشته، دست به تلاش وسیعی زده است که اخبار و گزارشات نیز کشف‌های از اتصال سیاست‌های ارتجاعی رهم در کردستان و طلبت قهرمانان نوده‌ها با این سیاست‌ها را به نمایش می‌گذارند.

سیاست تملیح اجباری رهم
با مقاومت و اعتراض قهرمانان نوده‌ها محکوم به شکست قطعی است

شمال کردستان

مزدوران رهم جمهوری اسلامی، در ادامه سیاست‌های ارتجاعی تملیح اجباری نوده‌های زمینگان خلق کرد، اهالی اکثر روستاهای اطراف سلماس را تحت انواع و اقسام فشارها قرار داده‌اند، آنها به تمام روستاهای منطقه "تصریح" اعلام کرده‌اند که باید اسلحه برداشته و طبقه زمینگران قهرمان خلق کرد صلح شوند. ولی سررد زمینگان این روستاها در طلب این خواست ارتجاعی مزدوران دست به خطرات یکبارچه زده‌اند. اهالی روستاهای "کلمند"، "چه رقی"، "آخ بران"، "اسلاره"، "چهار سنن" برای اعتراض به

سیاست‌های رهم، ضد و یکبارچه به غیر سلماس رفته و نظیرت و انزجار خود را نسبت به سیاست‌های سرکوبگرانه رهم، اعلام داشته‌اند. در ادامه این اعتراضات گسترده اهالی روستای "ساج واج" نیز بر روزهای ۲۸ و ۲۹ اسفند ماه گذشته، با تجمع در جلوسوی فرمانداری سلماس به دادن شعار طبقه سیاست‌های رهم برداشته، و تسلیم ناپذیری خود را به نمایش گذاشتند.

اما مزدوران رهم از کار خود باز نمانده، دست به آزار و اذیت و تهدید و فشار زمینگان این منطقه زده و به انواع و

انجام فریب‌ها سعی نموده‌اند، اهالی زمینگان منطقه را وادار به سرانگین اسلحه رهم بنمایند. آنها اهالی روستاهای "چه نکلر"، "سیوه نر" و "وریک" را به تخلیه و تخریب روستاهایشان تهدید نموده‌اند.

در یک مورد دیگر اهالیان رهم به فریب طوایف دیگری دست زده‌اند. نسبت هنگامی که اهالی زمینگان روستای "کله خرنه" برای دریافت وام به بانک مراجعه کرده‌اند، کارمندان بانک بک آنها وام نداده و اعلام داده‌اند که "فقط ضد انقلاب هستند". ما در صورتی به شما وام می‌دهیم که اسلحه برای رهم بردارید. اما این تهدید هم کارساز نمی‌افتد و مزدوران رهم که از این برخورد خود نیز نتیجه‌ای نمی‌گیرند، همچین دیگر موارد فوق به ریز طوایف دیگر

پیروزی یاد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

16

* اخباری از جنبش مقاومت توده‌ای

شمال کردستان . . .

۱۱ و ۱۲ و ۱۳ فروردین این روستا را مورد یورش وحشیانه قرار داده، به آزار و اذیت اهالی می پردازند و اعلام می کنند در عرض ۲۴ ساعت یا با یک روز روستا را تخلیه نمایند، یا اسلحه برای رژیم بردارید که با اعتراض و مقاومت اهالی روبهرو شده، مجبور به عقب نشینی می گردند.

در یکی دیگر از روستاهای این منطقه به نام "ته" نیز مزدوران مستقر در پایگاه رژیم در این روستا، به شیوه دیگری دست زده، به آزار و اذیت مداوم مردم می پردازند.

اهالی زحمتکش این روستا نیز در روز ۲۲ فروردین ماه، ضد و یکپارچه برای اعتراض به

رفتار دوشمنانه این مزدوران دست به اعتراض زده و دسته جمعی به سوی پایگاه به حرکت در می آیند. با شاهده عکس العمل دوشمنانه مزدوران این پایگاه تصمیم می گیرند که برای اعتراض به پایگاه دیگر مزدوران در روستای "سرو" بروند. آنها در مسیر حرکت خود به دادن شمارهایی علیه رژیم می پردازند. در نیمهای راه با ستونی از مزدوران رژیم روبهرو می شوند که مانع حرکت اهالی زحمتکش روستای "ته" به سوی پایگاه می گردند.

مزدوران متون اعزامی برای ایجاد رعب و وحشت تعدادی از اهالی را دستگیر می نمایند. ولی این حرکت آنها نیز تا ثیری در روحیه ضعیف زحمتکشان نمی گذارد و آنها همچنان به مقاومت و اعتراض خود ادامه می دهند.

مزدوران رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، علی رغم تمامی تهدیدات و فشارهایی که در طول این مدت بر اهالی روستاهای این منطقه وارد آورده اند، در هیچکدام از موارد فوق موفق به پیشبرد سیاست های ارتجاعی خود نگشته اند. و در مقابل اعتراضات گسترده زحمتکشان منطقه مجبوره عقب نشینی شده اند. در تمامی این موارد، زنان زحمتکش روستاهای این منطقه در مقابل با مزدوران رژیم نقش بسزایی داشته اند.

* * *

روز سوم فروردین نیز پاسداران برای سرکشی به روستای "گولانه" هجوم می برند ولی با مقاومت و اعتراض یکپارچه اهالی روبهرو می شوند. صدای اعتراض مردم بالا می گیرد و اهالی با دادن شمار علیه رژیم به مزدوران حمله می کنند. پاسداران رژیم، اقدام به دستگیری یکی از اهالی می نمایند ولی در پی گسترش اعتراضات اهالی مجبور به آزادی او و تسرت روستا می شوند.

در همین روز روستاهای "انجمنه"، "درگا شیخان"، "سروآباد"، "احدآباد"، "کرکهای"، "قلعه گاه"، "قلعه جی"، "تازه آباد تغلی" و "تخان" نیز، مورد هجوم دوشیمان قرار می گیرند.

در پی یورش پاسداران به روستای "انجمنه"، مبررم یکپارچه و ضد دست به اعتراض زده و اعلام می کنند که به هیچ وجه حاضر به دادن سوزا برای رژیم نیستند، مزدوران رژیم که دست بردار نبودند دست به آزار و اذیت مردم می زنند، ولی نتیجه ای نگرفته، مجبوره تسرت روستا می گردند.

پاسداران مجدداً در روزهای ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ این روستا را مورد هجوم وحشیانه خود قرار می دهند، ولی همراه با صبح وسیع اعتراضات اهالی زحمتکش این روستا روبهرو شده مجبور به عقب نشینی می گردند.

سوزا گیری اجباری رژیم و مقاومت توده های زحمتکش در منطقه سرپان

سرپان

مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، در ادامه سرکشی اجباری که از دلتها پیش بر کردستان انقلابی در پیش گرفته اند در این ماه نیز، یورش های وحشیانه جدیدی را برای دستگیری و اعزام فرزندان زحمتکشان کردستان به حبه های جنگ ارتجاعی، به روستاهای منطقه سرپان آغاز کرده اند که در زیر نمونه هایی از این یورش های ارتجاعی و مقابله و اعتراض توده های زحمتکش این منطقه را می آوریم.

روز دوم فروردین ماه، مزدوران رژیم روستای "المانه" را از چهار سو محاصره کرده و مردم روستا را به زور در صحن روستا جمع می کنند و پس از تهدیدات گسرد، چند نفر از اهالی را دستگیر می نمایند تا بسته سوزای بفرستند. این اقدام مزدوران خشم و انزجار مردم رزمنده این روستا را برمی انگیزد. اهالی این روستا با اتحاد و یکپارگی خود موفق می شوند که پاسداران ارتجاع را از روستای خوبی بیرون رانده و دستگیر شدگان را آزاد نمایند.

در ادامه همین یورش های پاسداران سرکشی رژیم به روستاهای منطقه، روستای "مانه" در صهر جاده سرپان - سنندج نیز مورد هجوم وحشیانه مزدوران رژیم قرار می گیرد. پاسداران که تا کنون چندین بار این روستا را مورد یورش وحشیانه خود قرار داده اند، این بار وقتی که با تجمع یکپارچه اهالی روبهرو می شوند، یکی از اهالی را دستگیر کرده به پایگاه می فرستند و به تهدید اهالی می پردازند و بدین وسیله تلاش می کنند که آنها را پراکنده سازند ولی مردم این روستا ضد و یکپارچه برای آزادی زحمتکش دستگیر شده به سوی پایگاه حرکت می کنند و موفق به آزادی او می شوند، آنها در این حال به مزدوران رژیم اعلام می کنند که حق ورود به روستا را ندارند.

سندج

تلاشهای مزدوران
برای تسلیح زحمتکشان روستاهای
مهدوان و مقاومت و اعتراض کرده ها

مزدوران رژیم در این منطقه نیز همچون تمامی مناطق دیگر کردستان، برای اجرای سیاستهای ارتجاعی خود دست به آزار و اذیت مردم زده، به هر اقدام ارتجاعی دست یازید مانند آنها در این منطقه شیبا به روستاها هجوم آورده، آنها را تحت محاصره خود در می آورند و به دستگیری جوانان می پردازند. آنها گریه در برخی روستاها به کمک عناصر فرصت طلب و خائن موافق به اجرای نقشه های شوم خود شده اند ولی در اکثر موارد با شکست مواجه گشته اند.

رژیم در این منطقه نیز با استفاده از جاسوسان مزدور خود، در تلاش آن است که اهالی زحمتکش روستاها را صلح نماید ولی در تمامی موارد تلاشهای مزدوران رژیم در مقابل مقاومت یکپارچه توده ها، بی ثمر مانده است. از جمله در منطقه "نوان" مزدوران رژیم اخیراً با مقاومت یکپارچه اهالی روستاهای "سرنجیان"، "قار"، "خیاره"، "میراباد"، "هانیس" و "کاسی" برخورد کرده و... مجبور به عقب نشینی شده و نتوانستند به اهداف ارتجاعی خود دست یابند.

علاوه بر موارد فوقی در روستای "خلیفه ترخسان" حسین آباد سندج نیز، مزدوران رژیم با تمامی فشار و اختناق که بر مردم این روستا تحمیل کرده اند، نتوانسته اند خللی در اراده آنها ایجاد نموده و اهالی را وادار به تسلیم اجباری نمایند. سازماندهی مقاومت در این روستا علیه سیاست های ارتجاعی رژیم از سوی یکی از زحمتکشان این روستا به نام کاک ناصر صورت می گرفت که در آخرین پورش دوغیمان این زحمتکش انقلابی در کشکش بین روستائیان و مزدوران صورت امامت گزیده مزدوران قرار گرفته و به شهادت می رسد. این امر نه تنها خللی در اراده اهالی زحمتکش این روستا به وجود نمی آورد، بلکه بیخ را از پیش قدم آنها را در مقابل سیاست های رژیم استوارتری سازد.

آنها تیراندازی می نمایند. که این اقدام فاشیستی مزدوران رژیم صورت اعتراض شدید مردم قرار می گیرد و آنها برای اعتراض به کفری پایگاه روستای "پیرخیران" راه افتاده و به دادن شماره های علیه مزدوران می پردازند. این حرکت زحمتکشان روستای "سورگه ول" مورد پشتیبانی اهالی روستای "پیرخیران" نیز قرار می گیرد. زحمتکشان این روستا طی یک تظاهرات یکپارچه از فرمانده پایگاه "پیرخیران" خواستار تمویق فرمانده پایگاه "سورگه ول" می شوند. که فرمانده مزدور این پایگاه نیز همچون دیگر همپاکی های خود، طی سخنانی به تهدید و ارباب مردم دست زده، دوباره از آنها می خواهد که اسلحه رژیم را بردارند و به تسلیح بوسی رژیم یعنی جاشها بپیوندند. وارضمولین نظام وظیفه نیز می خواهد که با گرفتن اسلحه دوران سرسازی خود را در همان روستای خود بگذارند. که درخواست های او صورت اعتراض مردم قرار می گیرد و این مزدور نیز موفق نمی شود. کسی را وادار به برداشتن اسلحه به نفع رژیم ننماید.

با امداران و دیگر مزدوران رژیم در منطقه مهدوان نیز همچون دیگر مناطق کردستان انقلابی زحمتکشان روستاها را تحت فشار قرار داده اند تا آنها را به برداشتن سلاح علیه پیشمرگان قهرمان خلق کرد وادارند. اگر چه اخیراً این مزدوران با همکاری عده ای فرصت طلب و خائن توانسته اند نفع از اهالی روستای "پیرخیران" را فریب داده، و صلح نمایند ولی در برخی روستاهای منطقه از جمله "ول"، "گلبد"، "سورگه ول"، "مولیان"، "لاسیان"، "چاولکان"، "بهر"، "برده سبی"، "مام واله" و "بلخه سور" و... اهالی زحمتکش روستاها با اعتراض یکپارچه خود، نقشه های ارتجاعی مزدوران رژیم را نقش بر آب ساخته، و با اتحاد و یکپارگی خود، موفق شده اند آنها را وادار به عقب نشینی نمایند.

در همین رابطه مزدوران مستقر در پایگاه روستای "سورگه ول" در مقابل اختناق مردم از تسلیم شدن به درخواست های ارتجاعی رژیم، برای آزار و اذیت اهالی هنگام رفت و آمد روستائیان، به سوی

تخریب و خرابی روستای "کلان کاسی" در منطقه اورمی

روستا، ساز و برگ زندگی خود را جمع و جور کنند و همه را زیر خاک مدفون می سازند و اهالی این روستا بدون کوچکترین سبیل و اسکانی برای زندگی، آواره روستاهای اطراف می شوند.

مزدوران رژیم جمهوری اسلامی در ادامه سیاست های ضد خلقی خود در این منطقه، در روز هشتم فروردین ماه، به روستای "کلان کاسی" حمله کرده و بطور ناگهانی دست به تخریب خانه های روستائیان می زنند و در مدت کوتاهی با بولدوزر خانه های روستائیان را با خاک یکسان می کنند. مزدوران رژیم فرصت نمی دهند که اهالی زحمتکش این



کمیته های مخفی مقاومت را باید در هر شهر و روستا ایجاد کنیم

از صفحه ۲۲
بهناسبت

دهمین سالگرد ...

بیژن جزئی به همراه
تنی چند از یاران خود به عبادت
رسیده است.

رفیق بیژن جزئی چهسره
شناخته شده ای برای جنبش
انقلابی کارگران و زحمتکشان
ایران و انقلابیون سراسر ایران و
جهان بود. خبر ترور بیژن
برای تمامی کسانی که اندک آشنائی
با مسائل جنبش کمونیستی ایران
در پیش از دو دهه گذشته
داشتند، بسیار سنگین و باور -
نکردنی بود. فقدان بیژن
برای جنبش ایران و برای سازمان
ما در یکی از حماسه‌ترین لحظات
حیات آن غریبه سنگین و سختی
بود.

رفیق بیژن جزئی که
فعالیت سیاسی خود را از همان
دوران پرتلاطم جنبش انقلابی
ایران در سالهای ۳۲ و از ده سالگی
آغاز کرده بود، در طول بیش از
دو دهه تجارب گرانقدری را پشت
سر نهاده بود و راه و مسیر
پر مشقت و کارنامه درخشانی را
تا واپسین لحظه حیات خود
پشت سر گذاشته بود. او با
درایت و پشتکار خود در تمامی
طول حیات سیاسی خود، همیشه
و در همه حال با شکست‌ناپذیری
معضلات پیچیده صابزه
پنجمه را فکند و با موفقیت و بیروزی هر بار
عمره‌های نهنی را پیشروی خود
گشوده بود. بیژن از همان
نخستین دوران فعالیت مستقل
خود بعد از انحطاط کامل حزب
توده، در دوران بعد از کودتای
۲۸ مرداد ۳۲ تا زمانی که بطرز
دشمنانه و کین‌نیزانه ای در
تپه‌های اوین آماج گلوله‌های
دوخیمان ساواک گردید، همیشه
و در همه حال پیشاز شناخت
واقمیت‌ها و راهگشای عمره‌های
نهنی برای تلاش‌های مجدانه
در جهت احیاء و سازماندهی جنبش
کمونیستی ایران بود.

بیژن جزئی از همان سال
۳۴ توانست با پاسخ روشن و اصولی
به مسائل صبرم، تمامی نیروهای
چپ و مارکسیستی را که بعد از شکست
حزب توده و تلاشی آن در پی

راه حل انقلابی بودند، حول یک
خط و وضعی انقلابی متشکل نماید.
او با تحلیل از واقمیت آنچه که
حزب توده بود و طرد اساسی آن
و ظریفه کمونیست‌ها را شرکت در
صابزه عظمی و سازماندهی متغ
از حزب توده و در جهت نفسی
موجودیت آن قرار داد و قاطعانه
با تمامی منافسی که قصد جرح و
تعدیل خط و وضعی حزب توده و
احیای مجدد آن را داشتند،
صبرزندی نمود. درست به همان
گونه که با تمامی منافسی که
شکست حزب توده را مستحکی برای
توجیه انقلاب و پاسفیسیم و
تعلیقات فد کمونیستی خود
نموده بودند، صبرزندی نمود.

بیژن با نقد عملکرد حزب
توده و طرد صافیل رنگارنگ،
خط و وضعی متشکل خود را بر حرکت
هدفمند حول حرکت فعال در
صبارزات کارگران و زحمتکشان و
از این طریق و تنها از این طریق
صبرزندی روشن و قطعی با حزب
توده گذاشت. این اقدام
قاطعانه رفیق بیژن و یاران
او در سالهایی که رهبران حزب
توده در زندان‌ها به خفت‌بارترین
شکل ممکن به توجیح جنبش
کمونیستی و صبارزات توده‌ها
پسرداخته و به بلندگوهای ارتجاع
حاکم صبدل گشته بودند،
فعالین جنبش همگی تار و صار
شده در زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌ها
اعدام و محبور گشته بودند،
خود مسئولین حزب توده که
زمانی در رأس جنبش بودند، به
دستیاران پلیس در پیگردهای
فاحشیتنی سالهای بعد از کودتای
صبدل گشته بودند، تأثیرات صبرزائی
در احیای روحیه انقلابی در
فعالین جنبش کمونیستی و پیروزه
در بخش هرچند اندک کسانی که
قضای حاکم بر جنبش آن سالها
به صبره صبرت نامه‌های رهبران
حزب توده و جیبونی حاکم بر
سیاست‌های بقایای این حزب در
خارج از کشور نتوانسته بود
تأثیرات صبر خود را بر روحیات
آنها باقی گذارد، بر جای گذاشت.
در حقیقت نطقه گروه بیژن که
بعدها یکی از جریان‌های تشکیل
دهنده سازمان چریکهای فدائی
خلق ایران در سال ۴۹ گردید،
در همین سالها یعنی در سالهای
بعد از کودتای ۲۸ مرداد و در
اواخر دهه ۳۰ بنیان گذارده شد
و در فعالیت صمبر بعد از آن
تا سال ۴۹ صمبر پیروچ و خصی
را در کوران صبارزه در عمره‌های

مختلف، پشت سر گذاشت. گروه
بیژن از همان بدو بیدایش به
فعالیت عظمی دست یازید، به ویژه
در سال ۳۹ تا ۴۲ نقش فعالی
را در سازماندهی جنبش
دانشجویی ایفا نمود.

بیژن و تعدادی از رهبران
این گروه در سال ۴۶ علیرغم آن
که دستگیر شدند، اما گروه بیژن
و بقایای آن با تجدید سازماندهی
و ادامه حرکت خود نقش صبرزائی
در تدارک رستاخیز ساهل و
اهلام موجودیت سازمان چریکهای
فدائی خلق ایران و تحقق بخشیدن
به آرزی دیرینه تمامی مارکسیست
لنهنیست‌های ایران در ارائه
یک آلترناتیو کمونیستی و ادامه‌کار
در جنبش کمونیستی ایران و
احیای مجدد فعالیت کمونیستی
در ایران داشتند.

اما دوران فعالیت بیژن به
دوران قبل از زندان و تشکیل
نخستین هسته‌های رزمده و
مستقل کمونیستی خلاصه نمی‌گردد.
شکوفاتین دوران حیات بیژن از
زمانی آغاز می‌گردد که تلاش دو
دهه فعالیت او در سازمان
چریکهای فدائی خلق ایران تجسم
عینی یافته و سازمان چریکهای
فدائی خلق ایران موجودیت خود
را در سطح وسیعی و در عرصه -
های مختلف صابزه به اثبات
رسانده بود و بیژن علیرغم
آن که در زندان بود، صمبر بزرگ و
صبرزائی در شکل‌گیری آن ایفا
نموده بود.

بیژن در این دوران عده
تلاش خود را در جهت صبرفسی
سازمان و اثبات حقانیت تاریخی
سیاسی و اندویشی آن در
گسترده‌ترین شکل به کار برد و با
تحلیل از موقعیت تاریخی -
اجتماعی حرکت انجام شده به آشافه
ایده‌های اساسی تشکیل سازمان
پسرداخت. در این مقطع علاوه بر
تلاش در جهت گشایش عرصه‌های
جنبشی در فعالیت سازمان و
تحلیل موقعیت آن در صبارزه
کارگران و زحمتکشان ایران، عده
فعالیت بیژن را توضیح و اثبات
این امر به خود اختصاص داد
که سازمان چریکهای فدائی خلق
ایران محصول چه ضرورت‌هایی و
در پاسخ به کدام الزامات عینی و
ذهنی و عظمی صابزه به وجود
آمده است.

بیژن در این عرصه با تأکید
بر همان مشخصه‌های اصلی

حرکت آغازین خود در آخرین سالهای دهه ۳۰، حرکت جدید را تنویریه نمود و ضرورت وحدت تمامی مارکسیست - لنینیست های ایران حول سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را بعنوان پرچمدار جنبش نوین کمونیستی ایران به اثبات رسانید. بیژن در تثبیت و تحکیم دستاوردهای سازمان در این سالها نقش بسزایی داشت. او از داخل زندان تمامی حرکت ها و سهر تحولات درونی سازمان را زیر نظر داشت و خود در این تحولات و پیشبرد آنها نقش موثری ایفا می نمود.

اما مهم ترین وجه مشخصه دوران فعالیت بیژن در زندان را تلاش در جهت تدقیق خط و حتی سازمان از یک سو و تحلیل از وضعیت پیشروی آن از سوی دیگر تشکیل می داد. بیژن اولین کسی بود که در عرصه برخورد به دیدگاه های اولیه حاکم بر سازمان که جتنی بر نقطه نظرات رفیق محمود احمدزاده بود به تصحیح اصولی آنها پرداخت. او در برخورد با این نقطه نظر که شرایط عینی انقلاب به مفهوم موقعیت انقلابی را فراهم می دهد و از سوی رفیق محمود مطرح گردیده بود، با رد این نقطه نظر به تنویریه کردن دوران تدارک انقلاب و توضیح مفهوم و مضمون تاکتیک های سازمان پرداخت. و با تاکید بر خصلت تاکتیکی حرکت سازمان به عنوان راهکنای حرکت آن در جهت سازماندهی جنبش کارگران و زمینکنشان، گام مهمی را به جلو برداشت و عملاً راه را برای کار تودم های به عنوان یک پارامتر مهم در فعالیت عملی سازمان بازگشود و هر چند او نیز نقطه نظر حرکت سازمان را هنوز تاکید بر سازماندهی نظامی قرار می داد و از این نقطه نظر نیز نهایتاً فراروشی دوران تدارک به دوران انقلابی و موقعیت انقلابی را از طریق نه تلاش برای ایجاد حزب طبقه کارگر و سازماندهی مبارزه پرولتاریا، بلکه تشکیل ارتش خلق و جنگ توده ای طولانی عملی می دانست. اما آنچه که در نخستین سالهای حیات سازمان به نقطه نظر بیژن برجستگی خاصی می داد، گشودن راه سازماندهی توده ای و شرکت فعال در مبارزات روزمره کارگران و عموم زمینکنشان در دوره تدارک انقلاب بود. امری

بمناسبت

دهمین سالگرد...

که در مقایسه با تاکید یک جانبه رفیق احمدزاده بر سازماندهی نظامی حرکت پیشاهنگ گام مهمی به جلو بود.

بیژن همزمان با جنبش دگرگونی و تحولی در تدریس تئوریک صافی حرکت سازمان در جهت تصحیح نقطه نظرات سازمان در برخورد به نیروهای سیاسی مختلف و نیز تحلیل از وضعیت عمومی جامعه و چشم انداز های محتمل آن نیز، نقش برجستار و غیر قابل انکاری داشت. او ضمن افشای چهره جریان های خرده بورژوازی و بورژوازی، همچون معاهدین خلق ایران نقاط اشتراق و وحدت سازمان با همه نیروهای موجود را آشکار ساخته و ضرورت برخورد آگاهانه با تحولات سیاسی محتمل در این دوران را و نقش و موقعیت این نیروها، در جنبش را مورد بررسی دقیق قرار داد.

او به همراه تحلیل از تحولات احتمالی ایران و نقش سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در آن به خطر سیادت و رهبری جریان های مترجمی همچون خصنی بر جنبش توده ای انگشت گذاشت و هراس عمیق نه تنها خصنی، بلکه معاهدین خلق را نیز از پیروزی پرولتاریا و اعمال رهبری آن بر جنبش به وضوح مورد بررسی قرار داد. بیژن معتقد بود که در صورت ضعف رهبری پرولتاری این خطر وجود دارد که این جریانها یک تاز میدان شده، نهایتاً جنبش را به شطاب شکست بکشانند. در این زمینه او به وضوح در مورد معاهدین خلق گفت:

خلاصه کلام این است که مذهب های مارکسیست (یعنی معاهدین خلق) در شناخت جامعه معاصر و تمیین نیروها و اتکا درست بپه آنها دچار اشتباهند و انقلاب را به سنگلاخ خطرناک می کشانند و در فیردای انقلاب و پیروزی نیز حاکمیت زمینکنشان و طبقه کارگر را به خطر انداخته مانع پیروزی انقلاب خواهند

شد. (به نقل از مارکسیسم اصلاحی یا اسلام مارکسیستی اسفندماه ۱۳۵۱)

بیژن علاوه بر تحلیل از وضعیت نیروهای جنبش، تحولات سیاسی - اجتماعی جامعه را نیز بطور دقیقی دنبال می نمود و با تحلیل وضعیت، به تعیین وظائف پیشاهنگ پرولتاری دست می یازید. نسوغ او در این زمینه زمانی خود را با برجستگی آشکار ساخت که در آخرین ماههای قبل از شهادت خود، هنگامی که حزب رستاخیز از سوی رژیم پهلوی برای سرپوش نهادن بر پسران سیاسی و اقتصادی پیشروی، با سرورهای زیاد تشکیل گردید. بیژن در سخنان افتتاحیه محمد رضا شاه جلار که مخالفان حزب خود را تهدید می کرد که اگر آن را قبول ندارند از ایران بروند، در چهره رژیم پهلوی انعکاس نطفه های طوفانی را دیده بود که در سال ۵۷ بساط رژیم را درهم کوبید. بیژن در همان روزها اعلام داشت که این سربریده های شاه جنایتکار بیانگر ضعف و زونسی رژیم است و نه قدرت آن، ناقوس سرگدیکاتوری پهلوی به صدا درآمده است.

اما بیژن با تمامی نقاط قوت خود و با تمامی پیشنهادی خود در حرکت سازمان در این دوره از حیات سیاسی خود که می توان گفت مهم ترین دوره زندگی مبارزاتی بیژن را تشکیل می دهد، از اشتباهات و نواقص نیز بیگانه خود برخوردار بود.

نخست این که او در عین سرزبندی دقیق سیاسی با حزب توده و طرف آن، به ضرورت سرزبندی آیدئولوژیک با حزب توده چندان بهائسی تدار و به مبارزه سر سخت آیدئولوژیک علیه آن دست نیازید. بیژن در سرزبندی با حزب توده برخورد های خود را به سیاستهای حزب توده و خط و خش ایدئولوژیستی آن منحصر ساخت و این امر که مهم ترین نقص کار بیژن بوده تاثیرات خود را در سالهای بعد در سازمان برجای گذاشت که تبلور خود را در عدم انجام آیدئولوژیک آشکار می ساخت.

دوم این که بیژن غیرنرم تاکید بر کار در میان توده ها و سازماندهی در صفحه ۲۰

20

از صفحه ۲۲
رژیم جمهوری اسلامی
دوستان ارکان نیروی برای ...

این فیراخوان ارتجاعی و آماده سازی نیروهای سرکوبگر برای یورش به کردستان در حالی صورت میگیرد که با آغاز فروردین ۲۴ جنبش انقلابی خلق کرد ششمن سال حیات خود را سپری ساخته و در مسیر اهداف انقلابی به پیش می تازد و نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی همچنان در زیر ضربات پیشمرگان دلیر خلق کرد با زهم شکست تلاشهای ظبوحانه خود را تجربه می نمایند.

همه به یاد دارند که در اولین بهار پر از قیام چگونه با یورش بیرحمانه رژیم شهر سفندج در زیر آتش توپ و خصاره قرار گرفت و مردها نفر از سردان و زنان و کودکان در خون خود غلطیدند. همه می دانند با فرمان جهاد عینی در ۲۸ مرداد ۵۸ چگونه جنایات بی حد و حصر سپاهیان ارتجاع در کردستان روی جانپان تاریخ را سفید کرد و تا کنون نیز هر روز و هر ساعت دهها صحنه خونین از اوج دردمندی و بیگناهی علیه توده های خلق کرد آفریده می شود.

اما رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی با رخ این جنایات خود را در همان نخستین یورشهایش در یافت کرده است، در جنگ فروردین سفندج اراده استوار و خلل ناپذیر خلق کرد و قسدها توده های صلح و جاوزه و مقاومت قهرمانانه آنان پاسخی بود که رژیم را در دست یافتن به اهداف ارتجاعی با شکست روبرو ساخت و امروز با تداوم قدرتشدهایی سارزه، فدائاری و از خود گذشتگی پیشمرگان انقلابی و خطابیت پیدریخ توده های زحمتکش شکست ناپذیری جنبش انقلابی خلق کرد به اثبات رسیده است. و ایمن جمع آوری نیرو توسط رژیم سررغم تبلیغاتش خود نشانه واضحی بر این امر می باشد.

امال وضعیت کردستان دارای ویژگی جدیدی است. موجی از اعتراضات توده ای در شهرها رژیم را با درماندگی هرچه بیشتر روبرو ساخته تا آنجا نیکه رژیم صبور است بخش مهمی از نیروهای سرکوبگر خود را در جهت مقابله

با این امواج اعتراضی و رو به گسترش در شهرها به حالت آماده باش نگه دارد. در نتیجه امال با وجود حدود ۲۰۰۰۰۰ سزورور ارتشی سپاه صبیح و جاشرهای خود فروخته رژیم جهت دست زدن به تهاجمات و عشیانه خود و مقابله با عطیلت قهرمانانه پیشمرگان انقلابی کردستان با کسود نیروی سرکوبگر مواجه است. این کسود آنگنان چشمگیر است که سرداران سپاه ضد خلقی را وادی دارد به رغم ارفاهانی که تا کنون در پاره تسلط نظامی خود در کردستان داشته اند این چنین به زبون نیروهای سرکوبگر اعتراف نمایند.

رژیم با تمامی پایگاههایی که در سراسر کردستان بر سر هر قله ای دایر کرده است و با انبوه فراوانی که در این پایگاهها برای سرکوب جنبش انقلابی خلق کرد، مستقر ساخته است و علیرغم تمامی یورشهایی که تا کنون به جنبش انقلابی خلق کرد، با تمامی تجهیزات خود به عمل آورده است، که تنها نتوانسته است گامی در جهت رسیدن به اهداف ارتجاعی خود در منطقه بردارد و خللی در اراده خلق قهرمان کرد ایجاد نماید، بلکه هر روز بیشتر از روز پیش به تمامی تلاشهای ظبوحانه خود در کردستان پی برده است. اطلاعات اخیر سپاه پاسداران علیرغم تمامی سروردهای رژیم بیانگر حاکمیت رژیم در کردستان، بلکه شکست و ضعف آن در مقابله با جنبش انقلابی خلق کرد است.

جنگ در کردستان باتلاقی است که نیروهای سرکوبگر رژیم را هر روز بیشتر از روز پیش در ورطه هلاک و نابودی فرو می برد و این واقعیت را یک بار دیگر تاریخ سازرات توده های زحمتکش به اثبات می رساند که هیچ قدرتی را با تمامی ملاح های جهشی و با هر تعداد نیروی پاری مقابله با خلقی را که عزم خود را برای رهایی جزم کرده است نیست.

تدارک جدید رژیم نیز بدون شک همچون خطه ها و یورش های صبیانه سالهای پیشین حکومت شکست قطعی است. جنبشی که از اعماق توده های ستمدیده جوشیده است و بر زمینه امال و اهداف صلیبونی توده ها پسا گرفته است، هرگز در مقابل

یورش های به مراتب گسترده تر از پیش نیز از پای در نخواهد آمد، بلکه در مقابله خونین با چنین یورشهایی هر چه بیشتر شکوفان خواهد گشت و به انگال نهفتگی از جنگ علیه سرکوبگران خلق کرد در هر ابعصار و عیاضی دست خواهد یافت.

بهنایست

از صفحه ۱۹
دهمین سالگرد...

سارزات کارگران، هیچگاه درک عینی از این سن سازماندهی و اهمیت سارزه سیاسی پرولتاریا، به عنوان مضمون اصلی فعالیت کمونیستها ارائه نداد، بلکه با مکرر علیرغم برخورد به دیدگاه های رفیق صمود در این زمینه خود نیز نهایتاً چنین فعالیت را به تابعی از سازماندهی نظامی بدل ساخت. و هرچند خود طرح این صالک از سوی بیژن در آن سال - ها دارای ارزش های معینی است ولی عدم قطعیت بخشیدن و تصریح آن به عنوان مضمون اصلی فعالیت سازمان، یکی از نقاط ضعف مهم بیژن بود.

اما علیرغم این همه اگرچه بیژن در دو زمینه فسوق دیدگاه های خود را تصحیح نیکشید و با بهتر است بگوئیم فرصت و مجال امکان آنرا نیافت، تاثیرات تعیین کننده ای را در گشایش حرکت سازمان با طرح و تحلیل مهم ترین مسائل جنبش در تمامی زمینه ها از خود برجای گذاشت و در حقیقت به عنوان یک رهبر سیاسی بیستاز، سازمان را گام ها به جلو برد و موفقیت آن را در سطح جنبش تثبیت نمود.

بگوئیم با غلبه بر تمامی نواقص حرکت رهبران بنیانگذار سازمانمان از جمله رفیق کبیر بیژن جزئی، بر نقاط قوت حرکت آنها که همانا تلاش بی وقفه و سازمانگرانه سارزه طبقه کارگر ایران در جهت دست یازیدن به اهداف انقلابی پرولتاریا و نیل به سوسیالیسم است استوار و پیکر باشیم، همانگونه که بیژن بود. بگوئیم سازمانگران حرکت آگاهانه و هدفمند پرولتاریا، در یک کلام بیستاز سارزات رهائی بخش کارگران و مضمون زحمتکش ایران باشیم، همانگونه که بیژن بود.



توضیح درباره تغییر عنوان شاخه کردستان به کمیته کردستان

از آنجا که بر طبق اساسنامه مصوب نخستین کنگره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران تفکیکات های منطقه ای سازمان در ضابط مختلف با عنوان کتبه منطقه فعالیت می نماید و از آنجا که تقسیم بندی سازمان به شاخه های مختلف مثل شاخه کردستان و... از تفکیکات سازمانی قبل از کنگره اول سازمان بوده و تا امروز نیز بنا به دلیل سابقه فعالیت تحت این عنوان تغییر در این نامگذاری صورت نگرفته بود لذا از این تاریخ به بعد تفکیکات منطقه ای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در کردستان منطبق بر اساسنامه سازمانی تحت عنوان کتبه کردستان به فعالیت های خود ادامه خواهد داد.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
کتبه کردستان
۳۰ / فروردین / ۱۳۶۴

مبارزه دست بازیده است و بر مبارزات جاری در سراسر ایران پرده سانس افکنده و با آنکه به نقاط قوت جنبش انقلابی خلق کرده نتیجه گیری می نماید که ایران را نمی توان تنها از طریق کردستان آزاد کرد. پس به زعم او حد اقل کردستان را می توان در چارچوب وضعیت حاکم آزاد کرد. و در چارچوب رژیم جمهوری اسلامی به چنین آزادی دست یافت.

حزب دمکرات که با چنین نگرشی به کشودن باب مذاکره با رژیم دست بازیده است. قافل از آن است که بدین پیروزی کارگزاران و زهدگشان در سراسر ایران آزادی کردستان امکان پذیر نیست و توهمات امروز حسرت دمکرات با شکستی به مراتب سخت تر از توهمات گذشته او روبرو خواهد گشت. و اگر امروز امکان بازگشتی وجود داشته باشد فردا برای چنین کاری بهیار دیگر خواهد بود.

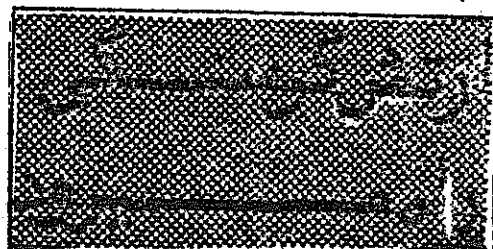
ما در شماره آینده به بررسی همه جانبه سیاست کنونی حزب دمکرات پرداخته بهرامون مساله مذاکره با رژیم در شرایط کنونی بیشتر سخن خواهیم گفت. ادامه دارد

از صفحه حزب دمکرات ۷ موجوده از گذشته، نوبه از آینده

امروز خود مجبران نصایبند. حزب دمکرات با تاکید بر این که مبارزه مسلحانه به عنوان شکل معنوی مبارزه برای سرنگونی رژیم خصمی در چارچوب کردستان محدود مانده است.

در حقیقت علاوه بر ارائه درک ضحوشی از اشکال مبارزاتی برای توجیه سیاست خود در مورد بهره برداری از "تنها کردستان" نیز هست. پرسیدنی است که اگر این "شکل معنوی" می توانست در نیاب توده ها، رژیم خصمی و نه حتی جمهوری اسلامی را سرنگون سازد، پر چرا تا کنون های مجاهدین موفق به چنین کاری نشده اند؟

حزب دمکرات با تصمیم شرایط خود ویژه کردستان به سراسر ایران بدین درک تفاوت میان این شرایط خود ویژه با شرایط سایر نقاط ایران، وضخه های طبقاتی حرکت عمومی نیروهای طبقاتی معین، به در هم آمیزی سرزهای شخص



ارتش گرسنگی راه می رود راه می رود تادلی از عزای نان در آورد تا دلسی از عزای گوشت در آورد تا دلسی از عزای کتاب در آورد تا دلسی از عزای آزادی در آورد. راه می رود پل ها را در می نوردد، چون دم شمشیر می برد راه می رود، درهای آهنین را می درید حصار درها را، واکن می کند پای در خون راه می رود.

ارتش گرسنگی راه می رود بنا گام های تند بر سرود های آتش با امید به بیرونی شعله شکش با امید به امید.

ارتش گرسنگی راه می رود شهرها را بدوش می کشد با کوبه ها و خانه های تاریک شان، دود کت های کارخانه هارا به دوش می کشد

و خستگی بی پایان خروبی کارخانه هارا.

ارتش گرسنگی راه می رود به دنبال خوش می کشد و می بود راسته های زلفه تشنه را و آنان را که می صورت بدین مشت خالی بر این خاک نامنهای.

ارتش گرسنگی راه می رود راه می رود تا گرسنگان را نان دهد. تا آزادی دهد بد آنها که ندارند پای در خون راه می رود.

(ناظم حکمت)

بهمناسبت ۲۴ فروردین

دهمین سالگرد فروردین فیتی کبیر

بیژن جزینی و همروزمان



سی ام فروردین ماه ۱۳۵۴ روزنامه های عصر و نیم پهلوی خبر کوتاهی را منتشر ساختند. خبر حاکی از آن بود که «نفسر از زندانبان سیاسی رژیم در حبسین قرار گرفته شده اند. این خبر که بطور خلاصه در گوشه ای از صفحه اول همه روزنامه ها درج گردیده بود، هر خواننده ای را در دست و حیرت فرو می برد و خیره چاکسی از جامعه شوی بود که طی آن یکی از بنیان گذاران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و از رهبران برجسته جنبش کولیستی ایران رفیق کبیر در صفحه ۱۱

نکاتی پیرامون

اطلاعیه حزب دمکرات در

مورد فعالیت نیروها در منطقه بانه

روز پانزدهم فروردین ماه، حزب دمکرات کردستان اطلاعیه ای را خطاب به کلیه نیروهای انقلابی منتشر ساخت که در نسوع خود تا کنون بسی نظیر بوده است. حزب دمکرات در این اطلاعیه از «کلیه سازمان های سیاسی که در منطقه بانه فعالیت می کنند یا خواهان رفتن به این منطقه هستند» خواست که «به علت آماده باش کامل

نیروهای پیشمرک حزب و نظامی بودن منطقه ... از رفت و آمد به منطقه بانه خودداری ورزند و با قیلا حزب را از ورود خود به منطقه بانه مطلب سازند.» (تاکید از ما)

با انتشار این اطلاعیه بر حقیقت آنچه که حزب دمکرات قبل از همه به بانه «آماده باش» و «نظامی بودن» منطقه به «انگاز» آن دست بازده است حق دمکراتیک فعالیت سیاسی - نظامی کلیه نیروهای انقلابی موجود در کردستان است. حزب دمکرات در واقع امر در صفحه ۸

طی يك نبرد قهرمانانه درشن از جاسهای مزدور منطقه بملاکت رسیدند

اندام انقلابی درشن از مزدوران رژیم در داخل شهر سقز

مرحاضات یکی از جاسوسان رژیم در صفحه ۱۱

اخبار

نیروهای پیشمرگان فدایی در منطقه سقز

روز جمعه ۱۳۵۴

در قیامی فیروزیای یورش جدیدی به کردستان

با انتشار اطلاعیه ای ضمن تعیین يك ضرب الاجل زمانی از مزدوران جنایتکار رژیم اعم از درابطین و اعضای های سپاه سباه خواست تا خود را به پایتختهای تحت پوشش واحد سقز سباه ارتجاعی معرفی نمایند تا ترتیب اعزام آنها به کردستان داده شود. در صفحه ۲۰

پس از مدتها تلاشهای تبلیغاتی عوام فریبانه رژیم در مورد وضعیت نظامی کردستان، جعل اخبار و دروغپردازی در مورد قدر قدرتی خود و سرکوب و قلع و قمع پیشمرگان انقلابی خلق کرد در هفته های پیش سپاه پاسداران منطقه مرکزی

صدای فدائی

سوج کوتاه ردیفهای

۶۵، ۷۵ متر
 ساعات ۸/۵ بعد از ظهر ۱۲/۵